

بحرانی بی سر و صدا: رکود اقتصادی، افزایش خشونت علیه زنان افغان



عناوین

نگرانی عامل «جنگ» از افزایش خشونت‌ها
آگاهان: پرونده جنگ در کشور فقط با طالبان بسته نمی‌شود. صلح نیازمند تفاهم با همه گروه‌های درگیر در جنگ است



۲

فلم حوا، مریم و عایشه؛ مردستیز یا واقع‌گرا؟
محتوای فلم می‌تواند از اعتراض‌های مدنی و اجتماعی گرفته تا بیان و انتقال احساسات باشد



۴



میراث فرهنگی کشور به نام و کام دیگران دوتار و مینیاتور قربانی اهمال مسوولان کشور معین فرهنگی وزارت اطلاعات و فرهنگ: ما تازه کاریم

یک‌سال پیش، دوتار هم به‌عنوان میراث معنوی ثبت شد. آن وقت هم اعتراض‌هایی شد و آقایان گفتند، شکایت کردیم. ایران خبر از بررسی درخواست ثبت شب‌بدا، جشن مهرگان و خوش‌نویسی هم خبر داده که نگرانی‌های بسیاری را میان فرهنگیان کشور ایجاد کرده است.

پس از خبر ثبت جهانی مینیاتور یا نگارگری به نام کشورهای ایران، ترکیه، اوزبیکستان و آذربایجان به‌عنوان میراث فرهنگی معنوی (ناملموس)، فرهنگیان و جامعه مدنی اعتراض کردند و وزارت اطلاعات و فرهنگ در جهت رفع تکلیفی اینتر از باب اینکه کاری کرده باشد، گفت شکایت کردیم.

۳

دیگر خواندنی‌ها در این شماره

مراسم باشکوه، زادگاه مخروبه

سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ:
مولانا مولدش بلخ و مدفنش قونیه است، اما جغرافیای فکر مولانا کل عالم انسانی است

چین. مرادبان همچنان بیان کرد که تاریخ چین با کلیدواژه «نظم و سلسله مراتب» توصیف شده که به دوهزار سال پیش برمی‌گردد. هندوستان که در واقع دوست و شریک استراتژیک افغانستان، کلیدواژه آن «تنوع» است. یعنی به راستی مدنیت و تمدن هند مبنی بر کلیدواژه تنوع زبانی و تنوع قومی تعریف شده است. تمدن غرب چه کلیدواژه‌ی دارد؟ داوود مرادبان این پرسش را در آغازین صحبت‌هایش مطرح کرد و گفت که پاسخ آن «منفعت» است، اگر این کلیدواژه از غرب گرفته شود، چیزی از تمدن غربی باقی نمی‌ماند، زیرا تمامی تحولات سیاسی-فرهنگی غرب بر محوریت منفعت واقع شده است؛ پس از غرب، تمدن این سرزمین (افغانستان) که شاهد آن‌است، چه کلیدواژه‌ی دارد؟ داوود مرادبان خاطرنشان کرد، آن‌چه که تمدن این جغرافیا را به هم گره زده «عشق» است.

مرادبان، زیستن استاد رهنورد زریاب را در جغرافیای

ادامه در صفحه ۳

راه مدنیت: آخرین روز هفته گذشته، مراسم باشکوه فرهنگی به مناسبت هفت‌صدوچهل‌وهفتمین سال‌روز عرس مولانا جلال‌الدین محمد بلخی به گونه مشترک از سوی نهادهای ترکیه و افغانستان در ولایت کابل، هرات و ولایت بلخ برگزار شد. بنیاد معارف افغان-ترک و مرکز مطالعات استراتژیک، سال‌روز عرس مولانا را با برپایی مراسم ویژه همچون مثنوی خوانی، موسیقی عارفانه و اجرای رقص سماع تجلیل کردند.

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی؛ صوفی بزرگ و آفریدگار مثنوی معنوی، در سال ۵۸۶ هجری خورشیدی در شهر باستانی بلخ به دنیا آمد و درست ۷۴۷ سال پیش، در قونیه-ترکیه امروزی درگذشت.

به این مناسبت، داوود مرادبان رییس مرکز مطالعات استراتژیک گفت که هر دنیایی یک کلیدواژه و شناسنامه خاص خود را دارد و آن را می‌توان با یک واژه توصیف کرد. اگر تاریخ یهودی‌ها مطالعه شود، یک کلیدواژه «مظلومیت و انزوا» در طول تاریخ یهودی‌ها می‌بینید و همین‌طور

پیشنهاد برگزاری انتخابات پارلمانی غزنی در سال ۱۴۰۰

۲

ساخت ۱۵۰ ذخیره‌گاه برای حفظ پیاز در سرپل

۲

واشنگتن، مسکو را به حملات سایبری متهم کرد

۷

انگلیس: برای پیروزی بر روسیه و چین باید آن‌ها را در بازی خودشان شکست

۷

اندر حکایت درازترین شب سال

شب یلدا یا شب چله یکی از قدیمی‌ترین جشن‌های به جا مانده از گذشتگان ماست

راستی امشب شب چله است! فراموش که نکرده‌اید بساط شب چله را فراهم کنید؟ میوه تازه و میوه خشک که یادتان نرفته؟ به فامیل گفته‌اید امشب زودتر خانه بیایند؟ کتاب حافظ تان دم دست است؟ به چند نفری که می‌شناسید و می‌دانید که اوضاع مالی‌شان خوب نیست کمک کرده‌اید؟ حواستان باشد امشب از آن شب‌هاست که نباید از دست داد!



۶

نرخ اشتراک در روزنامه

مدت	هزینه اشتراک
یک سال	۶۰۰۰ افغانی
شش ماه	۳۰۰۰ افغانی
یک سال	۲۰۰ دالر
شش ماه	۱۰۰ دالر

مدنیست
RAH-E-MADANYAT DAILY

برای دریافت تازه‌ترین
خبرها، تحلیل‌ها و گفتگوها
به وب‌سایت ما مراجعه کنید:

madanyatdaily.com

شرکت خدمات اینترنتی ضحاک تکنالوژی

- خدمات اینترنت از طریق بیسیم
- خدمات اینترنت از طریق کابل فایبر نوری
- خدمات اینترنت از طریق مایکروویف
- خدمات اینترنت از طریق وایست
- خدمات مکمل ای سی تی
- خدمات شبکه سازی
- خدمات دیتابیس

0786 873 535
sales@ztechisp.com
www.ztechisp.com



عبدالله: جنگ راه حل نیست

● عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی: با رهایی زندانیان طالبان ما انتظار یک آتش‌بس و یا کاهش خشونت چشم‌گیر را داشتیم، اما این صورت نگرفت. دو طرف باید بدانند که جنگ راه‌حل نیست.

خبرهای داخلی

دیدار رییس‌جمهور غنی با هیات مذاکره‌کننده

● راه مدنیت: محمدشرف غنی، رییس‌جمهوری کشور با هیات مذاکره‌کننده دولت دیدار و در مورد دور اول مذاکرات صلح گفتگو کردند.

ارگ ریاست‌جمهوری اعلام کرد که هیات مذاکره‌کننده روز شنبه (۲۹ قوس) با رییس‌جمهور غنی در ارگ ریاست‌جمهوری دیدار و گزارش دور اول گفتگوهای صلح را نیز ارائه کردند.

رییس‌جمهور غنی در این دیدار با ابراز قدرانی از هیات مذاکره‌کننده دولت گفت که در هیات مذاکره‌کننده گفتگوها با گروه طالبان، به‌گونه موثر از افغانستان نمایندگی کردند.

وی افزود که هیات مذاکره‌کننده، انکشافات در دور اول مذاکرات دوحه را با مردم شریک سازند. آقای غنی با تاکید بر شریک‌ساختن نظریات تمام اقدار مردم در پروسه صلح، به اعضای هیات مذاکره‌کننده دولت هدایت داد که قبل از آغاز دور دوم مذاکرات، با اقدار مختلف مردم مشورت کنند تا در مذاکرات به‌گونه مطلوب از آنان نمایندگی صورت گیرد.

در این دیدار بانوی اول کشور، معاونین ریاست‌جمهوری و رییس شورای عالی مصالحه ملی نیز حضور داشتند.

این دیدار زمانی صورت می‌گیرد که هیات مذاکره‌کننده دولت هفته پیش، پس از توقف سه هفته‌یی مذاکرات صلح دوحه، به کشور برگشت و قرار است در مورد آجدای دور دوم با مسوولان کشور مشورت خود را انجام دهند. دو طرف در سه‌ماه دور اول تنها توانستند که بر سر طرزالعمل مذاکرات صلح به توافق برسند.

از سویی هم، رییس‌جمهور غنی ضمن محکوم‌نمودن شدید حملات اخیر تروریستی در کشور و به‌ویژه حمله مرگبار ولسوالی گیلان ولایت غزنی گفت: طالبان باید خواست مردم افغانستان را برای آتش‌بس بپذیرند و از انجام حملات تروریستی که جنایت ضد بشری و اسلامی می‌باشد، دست بکشند و پروسه صلح افغانستان را قبول کنند.

پیشنهاد برگزاری انتخابات پارلمانی غزنی در سال ۱۴۰۰

● راه مدنیت: حوا علم نورستانی، رییس کمیسیون مستقل انتخابات کشور، گفت که این کمیسیون به حکومت پیشنهاد کرده تا انتخابات پارلمانی ولایت غزنی و شوراهای ولایتی در ماه میزان سال ۱۴۰۰ خورشیدی برگزار گردد.

خانم نورستانی روز شنبه (۲۹ قوس) در یک نشست خبری صحبت می‌کرد، گفت که کمیسیون انتخابات طرح برگزاری انتخابات پارلمانی غزنی، شورای ولایتی و شوراهای ولسوالی‌ها در ماه میزان سال ۱۴۰۰ را به حکومت ارائه کرده است.

وی از برگزاری انتخابات در تاریخ ذکرشده، اعلام آمادگی کرد.

تاکنون دولت در مورد اظهار نظر خانم نورستانی واکنش نشان نداده است.

غزنی تنها ولایتی‌ست که دو سال قبل، انتخابات پارلمانی در آن برگزار نشده بود، هم‌چنین قرار بود برای اولین بار انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها هم‌گام با انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۸ برگزار گردد، اما به‌دلیل مشکلات و نبود بودجه کافی برگزار نگردید.

در انتخابات پارلمانی سال ۹۷، برای هر ولایت یک حوزه انتخاباتی تعیین شده بود، اما کمیسیون انتخابات طرح حوزه‌بندی را برای ولایت غزنی مطرح کرده بود.

شماری با آن طرح مخالفت و مانع تطبیق طرح پیشنهادی کمیسیون انتخابات شدند.

جنجال‌های انتخابات پارلمانی باعث شد که انتخابات دور هفدهم مجلس نمایندگان در ولایت غزنی برگزار نگردد. در دور شانزدهم انتخابات مجلس نمایندگان از ولایت غزنی تنها نمایندگان یک قوم برنده شدند و در آن زمان حامد کرزی، رییس‌جمهور وقت دستور تشکیل هیاتی را داد تا پس از انجام تحقیقات لازم، در مورد مشروعیت و شفافیت انتخابات غزنی اعلام موضع کند.

بعد از بررسی‌ها کدام تغییراتی در آرا و نمایندگان غزنی نیامد.

از سویی هم، هفته گذشته، فیفا یا بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان، گفته بود که از عدم توجه دولت در مورد اصلاحات پروسه انتخابات و به حاشیه‌رفتن موضوع اصلاح انتخاباتی نگران‌اند.

فیفا از دولت خواست که بر اساس تعهداتش در توافقات سیاسی، برعلاوه تلاش برای موفقیت پروسه صلح، توجه جدی به اصلاحات انتخاباتی و برگزاری انتخابات پارلمانی غزنی، شوراهای ولایتی و شوراهای ولسوالی کرده و هم‌چنین هزینه آن را در بودجه سال ۱۴۰۰ شامل کنند.



صالح: نیروهای امنیتی به حمایت

همه جانبه ما نیاز دارند

● امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری: توهین و تحقیر نیروهای امنیتی افغانستان قابل تحمل نیست. این نیروها به حمایت سیاسی، فرهنگی، دینی، اجتماعی همه ما نیاز دارند. دسیسه نرم و سخت بر نیروهای مسلح کشور مطابق به قانون جرم است و پیگیری می‌گردد.

گزارش

مدنیت

نگرانی عامل «جنگ» از افزایش خشونت‌ها

آگاهان: پرونده جنگ در کشور فقط با طالبان بسته نمی‌شود. صلح نیازمند تفاهم

با همه گروه‌های درگیر در جنگ است

● سیدمهدی حسینی

گزارشگر

● هم‌زمان با تشدید خشونت‌ها از سوی جنگ‌جویان وابسته به گروه طالبان، هیات سیاسی این گروه در سفرشان به اسلام‌آباد با عمران‌خان نخست‌وزیر پاکستان گفتگو کردند. بر اساس گزارش‌ها، هیات سیاسی طالبان و نخست‌وزیر پاکستان، کاهش خشونت‌ها و آتش‌بس فوری را مورد تمرکز قرار دادند.

پس از این دیدار، طالبان اعلامیه‌یی نشر کرده و بخشی از این اعلامیه جالب توجه است که آنان در دیدار با عمران‌خان از افزایش خشونت‌ها ابراز نگرانی کرده و از طرف‌های درگیر خواستار کاهش خشونت‌ها شده‌اند. نخست‌وزیر پاکستان نیز از دیدار با طالبان سخن گفته و وعده سپرده که اسلام‌آباد از صلح دوام‌دار، بهره‌بری افغان‌ها حمایت می‌کند. دولت افغانستان طی چهار سال اخیر با اتخاذ اقدام‌های دفاعی، همواره کوشش کرده تا از شدت خشونت‌ها کاسته و به‌همین منظور، تلفات غیرنظامیان در جنگ کنونی کاهش یابد، اما جنگ‌جویان این گروه در فصل‌های مختلف سال تنور جنگ را در گوشه و کنار این کشور گرم کردند.

لازم به تذکر است که گروه طالبان از یک‌سو گرداننده جنگ کنونی می‌باشد و از سوی دیگر تنها گروه جنگی نیست؛ بل به گفته مسوولان، بیست گروه تروریستی در افغانستان مصروف فعالیت‌های تخریبی هستند، البته زیر چتر طالبان که بخشی از این گروه‌ها در فعالیت‌های تروریستی با طالبان هماهنگ می‌باشند.

از زمانی که رهبران طالبان با دولت افغانستان وارد مذاکره شده، حملات خشونت‌بار علیه نیروهای دولتی را این گروه به‌عهده گرفته‌اند، اما بخش دیگری از این خشونت‌ها را هیچ گروهی به عهده نگرفته است. حملات تروریستی و سازمان‌دهی‌شده که بیشترین قربانی آن‌ها غیرنظامیان هستند، گروه داعش به عهده گرفته است.

نگرانی گروه طالبان از افزایش خشونت‌ها، پرسشی را خلق کرده که آیا واقعا جنگ‌جویان این گروه تحت فشارهای نظامی دولت افغانستان و امریکا قرار گرفته‌اند؟

این سوال پس از آن خلق می‌شود که در سه سال اخیر، اغلب دیدگاه‌ها بر اعمال فشارهای نظامی علیه طالبان متمرکز بود،

فواد امان؛ معاون سخنگوی این وزارت به روزنامه راه مدنیت گفت: عامل اصلی افزایش خشونت‌ها طالبان استند که از هر راه ممکن به ویژه حملات انفجاری و انتحاری می‌کوشند تا جنگ را تشدید کنند. «تازه‌ترین نمونه، حمله‌یی است که روز گذشته در غزنی بالای افراد ملکی صورت گرفت و به خاک و خون کشانده شدند، همه ملکی بودند. حملات موتوربمب و تهاجمی به شکل خیلی گسترده از جانب طالبان صورت می‌گیرد و قربانی این حملات هم افراد ملکی استند.»

به گفته این مسؤول وزارت دفاع، نیروهای دفاعی در حالت دفاع فعال قرار دارند، تا زمانی که حملاتی از جانب طالبان صورت نگیرد و یا هم این‌که محل پلان اجرای عملیات‌شان شناسایی نشود، واکنشی نشان نمی‌دهد؛ اگر در هر نقطه که حمله بالای افراد ملکی و نیروهای امنیتی طرح‌ریزی شود، از سوی نیروهای امنیتی مورد هدف قرار می‌گیرند. طبق آمارهای این وزارت، در ۲۴ ساعت

● طالبان از یک‌سو

گرداننده جنگ کنونی

می‌باشد و از سوی دیگر

تنها گروه جنگی نیست؛ بل

به گفته مسوولان، بیست

گروه تروریستی در

افغانستان مصروف

فعالیت‌های تخریبی

هستند، البته زیر چتر

طالبان که بخشی از این

گروه‌ها در فعالیت‌های

تروریستی با طالبان

هماهنگ می‌باشند.

گذشته، جنگ‌جویان وابسته به طالبان به بیش از ۲۰ تحرک تروریستی در چندین ولایت سازمان‌دهی کردند که این تحرکات شامل انداخت‌های خفیفه، حمله، ترور و انفجار ماین‌ها می‌شوند؛ در مقابل این تحرکات، نیروهای امنیتی واکنش نشان داده و نزدیک به صد جنگ‌جوی این گروه کشته شده‌اند.

هماهنگی به خاطر حل منازعه افغانستان به وجود آمده باشد.

جاوید کوهستانی آگاه نظامی در گفتگو با روزنامه راه مدنیت خوش‌بین است که هماهنگی میان طالبان، پاکستان و جامعه جهانی و در مجموع پرونده جنگ افغانستان به گونه است که پاکستان صادقانه در تلاش حل منازعه این کشور است.

به گفته جاوید کوهستانی، اسلام‌آباد در تلاش به پایان جنگ است اما علاقه‌مند مشارکت طالبان در قدرت نیست و نمی‌خواهد که حاکمیت کامل افغانستان به دست این گروه قرار بگیرد. این آگاه سیاسی همچنان در مورد نگرانی‌های طالبان تاکید کرد که این گروه از طریق نظامی‌گری وادار به صلح پایدار نخواهد شد.

در همین حال، جلال‌الدین بدر آگاه سیاسی معتقد است که پرونده جنگ کشور فقط با طالبان حل نمی‌شود؛ گروه‌ها و کشورهای هم در این جنگ دخیل است که با آن‌ها هم باید تفاهم صورت گیرد.

این آگاه سیاسی همچنان ادامه داد که اگر طالبان نگران افزایش خشونت‌ها استند، پس این گروه و دولت افغانستان واضح پاسخ دهند که اگر این‌ها نیستند، پس چه کسانی و کدام گروه در پشت جنگ جاری قرار دارد.

او با اشاره به حمله تروریستی در ولایت غزنی که بر یک مراسم ختم قرآن صورت گرفت، تاکید کرد، اگر در پشت این ماجرا طالبان نیست، پس جهت صلح دولت افغانستان کدام گروه است؛ در حالی که نیروهای دولتی مصروف امنیت شهرها و جنگ‌جویان طالبان هم در روستاها مستقر استند. در صورتی که پشت این همه حملات تروریستی طالبان نیست، پس به این معناست که گروه سوم قوی‌تر از این‌هاست که گراف خشونت‌ها را بلند برده است.

جلال‌الدین بدر همچنان اعمال نظامی‌گری علیه طالبان را بی‌نتیجه و منتفی می‌داند و تاکید می‌کند، همان‌گونه که در سه سال اخیر دیده شد جنگ افغانستان از طریق فشارهای نظامی فروکش نکرد.

او با اشاره به روند مذاکرات صلح در قطر خاطرنشان ساخت که شروع این مذاکرات علیه دولت افغانستان و طالبان تمیل شد و از



با این‌که بازار جنگ در افغانستان همچنان گرم است، اما در عین حال، تلاش‌های منطقه‌یی جهانی برای فروکش کردن این خشونت‌ها شدت گرفته است. در آخرین تحولات، نماینده خاص سازمان ملل متحد، دیدار فرمانده ارشد نیروهای امریکایی با مقام‌های دولت و طالبان، صحبت تلفونی رییس‌جمهور غنی با عمران‌خان و سفر هیات سیاسی طالبان هم به پاکستان از تحولاتی است که انتظار می‌رود از دست می‌دهند.

خبرهای داخلی

ساخت ۱۵۰ ذخیره‌گاه برای حفظ پیاز در سرپل

● راه مدنیت: محمدسلیم رنجبر، رییس زراعت، آبیاری و مالداری ولایت سرپل، می‌گوید که طی سال جاری ۱۰۰ هزار متریک تن پیاز در سرپل تولید گردیده و برای جلوگیری از خراب‌شدن حاصلات پیاز این ولایت ۱۵۰ باب ذخیره‌گاه ساخته شده است.

آقای رنجبر روز شنبه (۲۹ قوس) گفت که از میان ۱۵۰ ذخیره‌گاه، کار ساختمانی ۱۳۰ باب آن تکمیل و به بهره‌برداری رسیده است.

به‌گفته وی، ۹۰ درصد بودجه ساخت این ذخیره‌گاه توسط دولت پرداخت و ۱۰ درصد باقی‌مانده آن را مردم محل پرداخته‌اند.

رییس زراعت، آبیاری و مالداری ولایت سرپل تصریح کرد که این ذخیره‌گاه‌ها تنها برای ۱۰ تا ۱۵ درصد محصولات زراعتی سرپل کافی و برای ذخیره و جلوگیری از فاسدشدن پیاز، نیاز به ذخیره‌گاه‌های بیش‌تر است. طبق گفته‌های آقای رنجبر، ریاست زراعت تصمیم دارد طی سال آینده سردخانه‌یی با ظرفیت ۱۵۰۰ متریک تن مواد زراعتی را در این ولایت اعمار کند.

هم‌چنین وی در قسمتی از صحبت‌هایش تاکید داشت که طی سال جاری شش هزار جریب زمین در سرپل زیر کشت پیاز قرار داشته که هر جریب زمین حدود ۱۳۶ کیلو پیاز حاصل داده است.

بر اساس گفته‌های ریاست زراعت ولایت سرپل، تاکنون مشکلات در قسمت بازارهای پیاز کشور وجود دارد، اما تلاش‌ها جریان دارد تا این مشکلات از طریق صادرات دهلیز هوایی حل گردد.

از سویی هم، آقای رنجبر وضعیت کلی زراعت طی سال جاری در سرپل را خوب عنوان نموده و در ادامه اظهار داشت که حاصلات غله‌جات طی سال جاری ۲۰ درصد افزایش، اما حاصلات میوه به‌دلیل سردی هوا و نبود بازار مناسب، کاهش یافته است.

این در حالی‌ست که نبود بازار فروش پیاز طی سال جاری، سبب نگرانی ده‌ها قین سرپل گردیده و آنان از دولت می‌خواهند که برای جلوگیری از فاسدشدن پیازهای شان بازار مناسب را پیدا کرده و هم‌چنین سردخانه‌های معیاری را اعمار کنند.

قابل ذکر است که بیش از ۸۵ درصد مردم ولایت سرپل به زراعت اشتغال داشته و باقی‌مانده مردم به مالداری و سایر موارد مصروف می‌باشند.

محصولات عمده‌یی این ولایت شامل گندم، جو، جواری، نخود، لوبیا، زغر و کنجد، هم‌چنین خربوزه، تربوز، انگور، ناک، زردآلو، شفتالو، و سیب‌می‌باشند.

یونیسف از ایجاد چهارهزار

صنف درسی در مناطق تحت

کنترول طالبان خبر داد

● راه مدنیت: سم مورت، مسوول شعبه ارتباط و مشارکت مردمی اداره حمایت از اطفال ملل متحد «یونیسف»، در کابل اعلام کرد، بعد از دوسال رای‌زنی، گروه طالبان موافقت کرد که چهارهزار صنف‌های درسی را در مناطق تحت کنترول شان ایجاد شود.

خانم مورت در صفحه توییت‌ش نوشت که در مورد ساختن صنف‌های درسی مناطق تحت کنترول طالبان از چندی پیش صحبت‌ها جریان داشت و به تازگی یونیسف با طالبان موافقت کرد، چهارهزار صنف آموزشی محلی را ایجاد کند.

به‌گفته وی، قرارست این صنف‌های درسی در خانه‌های مردم برگزار شود.

خانم مورت تصریح کرد که در حال حاضر از چهارهزار صنف حدود ۶۸۰ آن فعال شده است. این صنف‌ها در هلمند، کندهار، ارزگان و فاریاب ایجاد شد.

او علاوه نمود: «کاری که ما می‌خواهیم با این چهارهزار صنف انجام دهیم این‌ست که به یکصد هزار تا یکصد و چهل‌هزار کودک به‌شمول دختران برسیم.»

مسوول ارتباط دفتر یونیسف در کابل می‌گوید، صنف‌های درسی در مناطقی ساخته خواهد شد که دسترسی شاگردان آسان نیست و تعداد زیادی از اطفال از تعلیم محروم هستند.

وی اظهار داشت که گفتگوهای ادامه این صنف‌های درسی در تطابق با نصاب تعلیمی افغانستان فعالیت خواهند کرد.

یونیسف گزارش داد که در افغانستان سه‌میلیون و ۷۰۰ هزار کودک از تعلیم محروم هستند. بزرگ‌ترین عامل این محرومیت عدم امنیت و خشونت روزافزون عنوان شده است.

هم‌چنین در ادامه آمده که ۶۰ فیصد اطفال محروم از تعلیم و تربیه در افغانستان دختران هستند و عوامل مانند رسم و رواج‌های نادرست و محدودیت‌های خانوادگی باعث محروم‌شدن دختران از درس گردیده است.

یونیسف با انتقاد از طرف‌های دخیل در جنگ ۴۰ ساله افغانستان گفت که در رابطه با محافظت از اطفال وظایف اصلی خود را انجام نداده‌اند.

این در حالی‌ست که بر اساس ارقام سازمان ملل متحد، میان سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ حدود شش و نیم‌هزار طفل افغان کشته شده و ۱۵ هزار تن دگر زخمی شده‌اند.



عمران خان دیدار با طالبان را در جهت تامین صلح و رفاه افغانستان خواند

● عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان در صفحهٔ توئیتر خود نوشت: «ملاقات با هیات کمیسیون سیاسی طالبان بخشی از تلاش‌های جدی پاکستان برای تسهیل بخشیدن روند صلح افغانستان جهت رسیدن به یک افغانستان مرفه، مستقل، متحد، بانبات و صلح‌آمیز است.»

مدیت

● سال نهم ● شماره ۶۶۳ ● یکشنبه ۳۰ قوس ۱۳۹۹

گزارش

madanyatdaily.com

۳

میراث فرهنگی کشور به نام و کام دیگران

دوتار و مینیاتور قربانی اهمال مسوولان کشور

معین فرهنگی وزارت اطلاعات و فرهنگ: ما تازه کاریم

● معصومه امیری گزارشگر

● پس از خبر ثبت جهانی مینیاتور یا نگارگری به نام کشورهای ایران، ترکیه، اوزبیکستان و آذربایجان به‌عنوان میراث فرهنگی معنوی (ناملموس)، فرهنگیان و جامعه مدنی اعتراض کردند و وزارت اطلاعات و فرهنگ در جهت رفع تکلیفی ابتر و از باب اینکه کاری کرده باشد، گفت شکایت کردیم.

یک‌سال پیش، دوتار هم به‌عنوان میراث معنوی ثبت شد. آن وقت هم اعتراض‌هایی شد و آقایان گفتند، شکایت کردیم. ایران خبر از بررسی درخواست ثبت شب یلدا، جشن مهرگان و خوش‌نویسی هم خبر داده که نگرانی‌های بسیاری را میان فرهنگیان کشور ایجاد کرده است.

● میراث فرهنگی معنوی (ناملموس)

میراث فرهنگی ناملموس به تولیدات و فرایندهای فرهنگی گفته می‌شود که با گذشت زمان و از نسل‌های پیشین باقی مانده‌اند. سنت‌ها و ابزارهای شفاهی مانند زبان و ترانه یا هنرهای نمایشی و موسیقی، اقدامات اجتماعی، آیین‌ها و جشنواره‌ها و مهارت در هنرهای دستی سنتی. در این بخش تنها نوروز در افغانستان ثبت جهانی شده که در اشتراک با کشورهای ایران، هند، پاکستان، اوزبیکستان، قرقیزستان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، تاجیکستان، عراق و ترکمنستان است، البته نوروز در ابتدا به نام هفت کشور، در سال ۱۳۸۸ ثبت شده بود، اما پنج‌سال بعد با درخواست پیوستن پنج کشور عراق، ترکمنستان، تاجیکستان، افغانستان و قرقیزستان، ثبت جهانی نوروز بار دیگر تنظیم و تدوین گردید و به سازمان یونسکو فرستاده شد.

● کمیسیون ملی یونسکو؛ فرمالیته بدون فعالیت محسوس فرهنگی

افغانستان در ۱۹۴۸ عضو یونسکو شده و همان سال موظف گردیده تا بنابر قانون اساسی یونسکو، کمیسیون ملی یونسکو را تشکیل دهد که وظیفهٔ آن گسترش دامنهٔ نفوذ و ارتقای آموزشی در شناخت بهتر اهداف یونسکو با مشارکت جوامع فکری و علمی کشور عنوان شده است. کمیسیون ملی یونسکو افغانستان را جستجو کردم، یک سایت به زبان انگلیسی و یک صفحه منسوب به آن را پیدا نمودم که آخرین به‌روزرسانی‌اش برای هفته‌ها پیش است. شماره تماسی که برای ارتباط در صفحه فیس‌بوک گذاشته‌اند از برقراری اتصال معذور است. گوگل فایلی را بالا آورده که عنوانش معرفی کمیسیون ملی یونسکو-آسیسکو افغانستان است. فایل در فرمت پی‌دی‌اف در زمان حکومت وحدت ملی و با آرم و نشان وزارت معارف تنظیم شده است.

مراسم باشکوه، زادگاه مخروبه

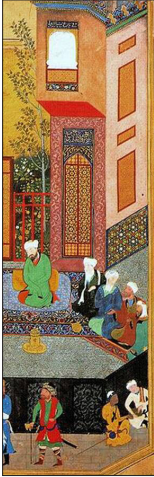
... ادامه از صفحه اول

جنگ و دود، نمونهٔ بارزی از عشق می‌پندارد و افزود: زریاب نمادی از عشق بود که نزدیک به بیست سال در یک شرایط سخت در کابل زندگی کرد. «سه سال پیش که خانه زریاب در مکرویان بود، یک زمستان سرد به خانه‌اش رفتیم، اما همان سردی زمستان، کابل را با عشق زریاب به این سرزمین، فرهنگ و ادبیات می‌شناختیم.»

رئیس مرکز مطالعات استراتیژیک در وسط حرف‌هایش به چندصد سال قبل برگشت و از کتاب فردوسی یاد می‌کند که او سی‌سال تمام به‌خاطر یک تدوین کتاب تلاش کرد و بنابراین، مدنیته که همه فارسی و پشتون‌زبان‌ها را گره زده و هویت ما را تعریف می‌کند، عشق است، عشق توانسته با وجود تمام مشکلاتی که این سرزمین و جغرافیا شاهد آن بوده، به‌عنوان یک هویت حفظ نماید.

مردیان همچنان تصریح کرد که افغانستان در چند صد سال اخیر نه دارنده قدرت نظامی بود و نه اقتصادی؛ در فتوحات نظامی هم بازنده بود، اما آن‌چه این سرزمین را نگه‌داشته هویتی به‌نام عشق است، اگر واژه عشق از ادبیات فارسی، پشتو و اوزبیک بیرون رانده شود، چیز دیگری باقی نمی‌ماند و به‌همین خاطر سرزمین افغانستان روی عشق بنا شده است.

ظاهر زهیر؛ سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز در واکاوی از آثار مولانا جلال‌الدین بلخی، بیان می‌کند که از مثنوی تعبیری به عشق‌نامه شده است و از مولانا هم تعبیری به پیامبر عشق. زهیر هم چنان در ابتدای



در جایی از متن آن آمده «کشور عزیز ما افغانستان حین کسب عضویت سازمان یونسکو به تاریخ ۴ می ۱۹۴۸ میلادی مطابق ۱۴ ثور ۱۳۲۷ هجری شمسی این کمیسیون را ایجاد نموده است. از سویی هم عضویت سازمان آسیسکو را در سال ۲۰۰۳ به‌دست آورد، از اینکه کمیسیون ملی یونسکو و آسیسکو افغانستان تشکیل مشخص برای انجام امورات نداشته تا در تطبیق برنامه‌های آسیسکو وارد عمل گردد، بنا کارهای این دو سازمان (یونسکو و آسیسکو) با یک تشکیل و نظر به حیطة کاری آن در وزارت معارف پیشنهاد و به پیش برده می‌شود.»

در تشریح وظایف این کمیسیون در فایل مذکور گفته شده که نقش ارتباطات (ارتباط میان دولت، نهادهای دولتی و غیر دولتی با یونسکو، دفاتر منطقه‌ای یونسکو و آسیسکو و همچنین با کمیسیون‌های ملی سایر کشورها)، مشورتی (ارایهٔ خدمات مشاوره‌یی در زمینه‌های کاری یونسکو به دولت، نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط در خصوص نحوهٔ مشارکت در فعالیت‌ها و برنامه‌های یونسکو)، اطلاع‌رسانی (معرفی اهداف، راهبردها، برنامه‌ها و انتشارات یونسکو در سطح ملی از طریق رسانه‌های ملی و محلی و انتشار کتب و اسناد یونسکو به زبان دری و پشتو)، هماهنگ‌کننده (ایجاد هماهنگی‌های لازم برای اجرا و تطبیق برنامه‌های یونسکو در کشور) و طراحی (اجرا و ارزیابی برنامه‌های یونسکو و نیز مشارکت در پژوهش‌های مربوط با موضوعات کاری یونسکو و آسیسکو در کشور) را دارد.

نتیجه اینکه وزارت معارف باید در جریان باشد. از نجیبه آربین؛ سخنگوی وزارت معارف راه‌تماسی از این کمیسیون طلب می‌کنم. می‌گوید مطمئن نیست که چنین چیزی در تشکیلات وزارت معارف وجود داشته باشد، اما می‌پرسد و خبرش را می‌دهد. کمی بعد شماره تماس محمدشاکر حبیب‌یار؛ سکرترجنرال این کمیسیون را می‌فرستد. حداقل موجبات کشف تازه‌یی را در وزارت معارف فراهم کردیم.

● پاسخ کمیسیون ملی یونسکو- افغانستان؛ ایران گفته بود

حبیب‌یار می‌گوید که ما زمانی می‌توانیم نقش رابط را ایفا کنیم و پی‌گیر خواست دولت و مردم باشیم که عملاً خواستی وجود داشته باشد. او می‌گوید وزارت اطلاعات و فرهنگ خواست یا شکایتی را به ما نرسانده که ما به یونسکو برسانیم با این حال برای اینکه تردیدی باقی نماند، شماره تماس مسوول فرهنگی

کمیسیون را به من می‌دهد. فاضل احمد نوابی، مسوول فرهنگی کمیسیون ملی یونسکو تا فعلاً مطلع‌ترین فردی است که در آخر روز توانستم همراهش صحبت کنم. می‌گوید ما در حال خانه‌پری فورم و طی مراحل ثبت مینیاتور بودیم، اما متوجه شدیم که ثبت شده و ایران هم اطلاع داد که نام افغانستان اضافه خواهد شد. قضیهٔ دوتار را می‌پرسم، نوابی می‌گوید ایران سال گذشته و در زمانی که خانم حسینه صافی؛ وزیر وزرات

اطلاعات و فرهنگ بود به ما نامه داد که دوتار را به‌طور مشترک ثبت کنیم. ما این نامه را به اطلاع وزرات اطلاعات و فرهنگ رساندیم، گفتند ما مگر خودمان چه کم داریم، تنهایی ثبتش می‌کنیم. (نقل به مضمون)

یکی از فرهنگیان هرات که از معترضان به وزرات اطلاعات و فرهنگ بابت اهمال در ثبت مینیاتور هست به روزنامه میراث فرهنگی و گردشگری ایران در مصاحبه‌یی گفته بود که ما از کشورهای همسایه بارها تقاضای ثبت مشترک، میراث فرهنگی مشترک‌مان را داشته‌ایم.

حسینه صافی ما را به آقای باوری، معین فرهنگی وزرات فرهنگ و اطلاعات حواله می‌کند که در آن زمان هم همین سمت را داشته است.

باوری می‌گوید: در رابطه با مینیاتور ما اعتراض خود را به یونسکو ارسال کرده‌ایم و آن‌ها گفتند به‌علت مشکلات ناشی از کرونا فعلاً قادر به برگزاری جلسات نیستند، اما خواستند که خواست و اسناد خود را به‌صورت مفصل مستند کرده و تا ماه مارچ ۲۰۲۱ از طریق وزرات خارجه به یونسکو بفرستیم.

او ادعای کمیسیون ملی یونسکو در مورد درخواست همکاری ایران برای ثبت مشترک دوتار را تایید می‌کند و می‌گوید ما به آن‌ها گفتیم که این مربوط ما می‌شود و ما می‌خواهیم ثبت کنیم و فعلاً در حال تکمیل اسناد و مدارک برای دوتار هم هستیم و اعتراض خود در این مورد را هم پی‌گیری می‌کنیم.

باوری می‌گوید مقایسه ما با ایران درست نیست؛ چون آن‌ها سال‌هاست که در رابطه با میراث فرهنگی کار می‌کنند، اما ما در مدت سه‌سال است که اهداف خود را اولویت‌بندی کرده‌ایم. لازم است که در ابتدا این میراث فرهنگی در کشور ثبت شود. ما حدود ۷۰۰ عنوان را لیست کرده‌ایم که در حال مستندسازی است و ۷ مورد مستند شده هم به یونسکو ارسال شده است.

و نهادهای شده وجود ندارد، زیرا جنگ و خشونت موجود تحمیلی است و در چنین شرایطی، همه‌مکان می‌توانند با بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی، معنویت و معرفت مولانا، از این وضعیت فلاکت‌بار خود را نجات دهند.

از جانب دیگر، برخی از نویسندگان و فرهنگیان کشور، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی را به عنوان سخنگوی برجستهٔ وجدان فرهنگی حوزه تمدنی اسلامی و از مطرح‌کنندگان پرآوازه مدارا و تسامح در عرصه فرهنگ و تمدن بشری یاد کردند.

سیدحسین اشراق یکی از نویسندگان و پژوهشگران کابل تأکید کرد که مدارا و تسامح از جمله فاخرترین و انسانی‌ترین جلوه‌های اخلاقی و فرهنگی به شمار می‌روند که در آثار اندیشمندان و سخنوران سترگ این حوزه تمدنی به ویژه در نوشته‌ها و گفته‌های خداوندگار بلخ برجستگی خاص یافته است.

او توضیح داد که جهان بشریت امروز بیش از هر زمان دیگری به ترویج افکار و آموزه‌های مولانا نیاز دارد؛ زیرا در شرایط حاضر احترام به دیگری و ارزش قابل شدن به مقوله تفاوت، با چالش‌های پرمخاطره‌آمیز تعصب مواجه شده و از همین جهت، پیام تسامح مولانا برای جهان امروز گره‌گشا و پراح دانسته می‌شود.

در سال جاری، هرچند در مورد اندیشه و طرز تفکر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی نسبت به سال‌های گذشته با شکوه‌تر برگزار شد اما خانه و خانقاه مولانا در ولایت بلخ هنوز شبیه به یک مخروبه است.

بازسازی خانقاه مولانا در ولایت بلخ درست در سال ۱۳۹۴ روی دست گرفته شد و با گذشت پنج سال، هنوزهم کار ساخت‌وساز آن تکمیل نشده است.

سرمقاله

برنامه‌های دولت

خالی از توسعه انسانی

توسعه انسانی یعنی افزایش قابلیت‌ها

و گزینه‌های انتخاب افراد

● افغانستان باز هم رکورد ناکامی دیگری به نام خود ثبت کرد؛ ایستادن در سکوی عقب‌مانده‌ترین کشور جهان به لحاظ توسعه انسانی. چنین جایگاهی حق ما است، زیرا در دیدگاه مسلط بر ادبیات سیاسی ما واژه‌یی به نام «توسعه» یا مفهومی به نام «توسعه‌یافتگی» وجود ندارد. شاید بتوان واژه «انکشاف» که به غلط در ادبیات مدیریت عمومی دولتی کاربرد گسترده دارد را به معنی «توسعه» دانست، اما باز هم نمی‌توان از این واژه پی برد که منظور از «انکشاف» رشد اقتصادی است یا توسعه در ابعاد مختلف.

برای همین است که دولت تصور درستی از مفهوم «توسعه» ندارد و در برنامه‌ریزی‌های عمومی، توسعه در بعد کیفی به ویژه در بعد انسانی کمتر مطرح است.

توسعه علاوه بر توسعه اقتصادی، شامل توسعه انسانی هم می‌شود. منظور از توسعه انسانی این است که سطح آزادی‌های افراد افزایش یابد؛ به این معنا که فرایند برنامه‌های دولت در جهتی باشد که قابلیت‌های افراد برای بهبود بخشیدن کیفیت زندگی متنوع باشد و گزینه‌های مختلفی برای انتخاب کردن پیش روی افراد بگذارد.

با این تعریف، برنامه‌های دولت و نحوه اجرای پروژه‌ها توسط حکومت به گونه‌یی نبوده که توسعه اقتصادی و در کل توسعه در همه‌بخش‌ها به صورت همگن رخ بدهد. پیامد این ماجرا در عمیق شدن فاصله اجتماعی و مافیایی شدن اقتصاد به خوبی دیده می‌شود. با هر یکی از شاخص‌های تعیین توسعه انسانی وضعیت کشور را بسنجیم، می‌بینیم که کشور اساساً در مسیر توسعه قرار ندارد.

یکی از شاخص‌های مهم بر توسعه انسانی درآمد سرانه است، اما در افغانستان با سنجش این شاخص نمی‌توان به تصویری درستی از توانایی افراد در برخورداری از شرایط متوسط زندگی دست یافت. زیرا منابعی که منجر به بهبود وضعیت خانوارها، بتگاه‌های اقتصادی و بخش‌های مختلف یک کشور می‌شود، در اختیار عوامل فساد قرار دارد و حتا خود حکومت بر همه منابع اشراف کامل ندارد. وجود عوامل فساد هم در درون دولت و منابع گمرکی و هم تسلط افراد زورمند و وجود گروه‌های تروریستی بر سر راه منابع طبیعی باعث شده که بر درآمد سرانه افراد تأثیر بگذارد و عملاً بخش عمدهٔ جامعه از درآمد ثابت و قابل اکتفا محروم بماند.

نکتهٔ دیگر این که شاید در گزارش‌های حکومتی از تولید ناخالص داخلی، متوسط درآمد سرانه افراد عدد و رقمی درج شود که در نگاه نخست رضایت‌بخش باشد، ولی با سنجش آن نمی‌توانیم به تصویر روشنی از توسعه دست یابیم، چرا که دولت هنوز آمار دقیقی از جمعیت ندارد؛ پس چطور بتوان متوسط سرانه درآمد افراد، شاخص تحول درآمد، هزینه خانوار، شاخص توزیع درآمد و... را سنجش کرد؟

آنچه از وضعیت کشور پیداست، فقر و محرومیت غالب افراد است. شهرهای کلان از جمله پایتخت ابتدایی‌ترین شاخص‌های رفاه مانند امنیت، برق، جاده، بهداشت و آموزش معیاری و با کیفیت را ندارد. روستاها و شهرهای کوچک بماند که به کلی در محرومیت کامل به سر می‌برد. به غیر از چند شهر بزرگ انگشت‌شمار، هنوز بسیاری از بخش‌های کشور از داشتن خدمات اولیه صحی حتا در حد داشتن قابله و نرس آموزش‌دیده محروم است.

تصویر دیگری که حاکی از فلاکت‌بار بودن وضعیت کشور است، جنگ است. یکی از شاخص‌های سنجش برخورداری افراد از آموزش با کیفیت است. طالبان و گروه‌های تروریستی که بقای خود را در دوری کودکان و افراد جامعه از آموزش و تحصیل می‌بینند، به نهادهای آموزشی حمله می‌کنند.

اما حکومت هم در این وضعیت آشفته دستی دارد. سواى خیالی‌سازی در آمار مکاتب که متأسفانه هیچ پیگیری نشد، نگاه حکومت در عرصه آموزش بر افزایش کمیت بوده و براساس همین سیاست شرایط را به گونهٔ فراهم کرده که خدمات آموزشی صرفاً در شهرها رشد یابد. افزون بر این، حکومت از کیفیت محتوای آموزشی به کلی محروم مانده است. این غفلت در بعد کیفی آموزش سبب شده که گروه‌های افراطی در درون نهادهای آموزشی نفوذ و بر محتوای درسی تأثیر بگذارد و شرایط عضویت دانش‌آموزان و محصلان را به‌عنوان جنگجو در گروه‌های تروریستی فراهم کند.

نامامیدی مردم و مهاجرت‌های گسترده نیز تصویر دیگری از وضعیت وخیم توسعه انسانی در کشور است. سال‌هاست که افغانستان بزرگ‌ترین صادرکننده مهاجران در جهان است. این مهاجرت‌ها و آوارگی صرفاً ناشی از شرایط جنگی نیست. میزان مهاجرت از مناطقی که امن است با مناطقی که به کلی ناامن است، چندان فرق نمی‌کند. خالی شدن روستان و تمرکز جمعیت‌های روستایی در کلان شهرها ناشی از عدم توازن در تخصیص و توزیع صورت است. پیامد این نیز صرفاً مهاجرت نیست، این مساله هم موجب سرخوردگی، ناامیدی، عدم تمایل به سرمایه‌گذاری، افزایش اعتیاد و ازبین رفتن استعدادها شده است.

متأسفانه این مشکلات کشور بیش از آن که نهادی باشد، ناشی از سیاست‌گذاری حکومت است. بدین معنا که بهبود وضعیت توسعه انسانی سخت نیست. اگر اراده‌یی برای تغییر و بهبود باشد، می‌توان با اصلاح سیاست‌های حکومت، به سمت توسعه انسانی رفت.

نخست این را باید مد نظر داشت که توسعه امری تک‌بعدی نیست. صرفاً با رشد اقتصادی نمی‌توان به توسعه پایدار دست یافت، با تدوین قوانین و انبار آن‌ها نمی‌توان به رضایت شهروندان و مطلوبیت رسید. به عبارتی با مقدم دانستن یک بعد توسعه یا ترجیح یک بخش کشور بر بخش دیگر در تخصیص و توزیع ثروت، نمی‌توان به بعد دیگر توسعه دست یافت.

بنابراین درنظر داشت که توسعه فرایند چندبعدی است و توسعه همه عرصه‌ها و همه بخش‌های کشور باید به صورت همگن و هماهنگ در نظر گرفته شود. در قدم اول، در نگرش عمومی و نهادهای ملی توسعه به صورت فراگیر مد نظر گرفته شود. دوم، ساختار نهادی توزیع قدرت و ثروت به گونهٔ اصلاح گردد که همگان از آن منابع مستفید شوند. سوم، تا رویکرد نابرابر نهادهای دولتی در سیاست‌گذاری اصلاح نگردد، توسعه انسانی اتفاق نخواهد افتاد و حتا آزادی افراد از این که هست، بیشتر محدود خواهد شد.



کتاب‌نامه

کتاب خوشه‌های خشم جان اشتاین بک

● اگر اهل کتاب و ادبیات باشید، حتی اگر این کتاب را نخوانده باشید، احتمالاً نام آن به گوشتان رسیده است. به‌جرات می‌توان کتاب خوشه های خشم را یک اثر تقریباً حماسی از جان اشتاین بک دانست. در ابتدا ممکن است به‌نظر برسد که این داستان یک مستند است؛ چرا که اشتاین بک با صلابت و لحنی نیرومند، وضع اقتصادی و سیاسی آمریکا در اوایل قرن ۲۰ را در قالب داستان به‌تصویر می‌کشد؛ کتابی که پس از انتشار در آمریکا ممنوع شد و در همان سالی که منتشر شد، یعنی سال ۱۹۳۹، به‌عنوان پرفروش‌ترین کتاب سال آمریکا شناخته شد و موفق به دریافت جایزه پولیتزr شد.

داستان درباره‌ی خانوادهٔ کشاورزی است که با ورود کشاورزان نوپا و رکود اقتصادی، زمین‌های خود را رها می‌کنند و در روایی رسیدن به آرزوهایشان با کاروانی راهی ایالت کالیفرنیا می‌شوند. در طول داستان اشتاین بک مشکلات مختلفی که برای آن‌ها پیش می‌آید را با صبوری به‌تصویر می‌کشد. مشکلاتی نظیر گرگیری با پلیس‌ها، ظلم کارفرماها، پایین‌آمدن مزد کارگرها و مشکلات مختلف دگر.

گفته می‌شود علت اهدای جایزه نوبل به اشتاین بک تنها به‌خاطر این کتاب است. به همین علت خیلی‌ها مخالف اعطای جایزه به او بودند و عقیده داشتند در ۱۵ سالی که اشتاین بک نویسنده‌گی می‌کرده، هیچ کتاب درخور دیگری به‌چاپ نرسانده است!

بخشی از کتاب:

اتومبیلهای مهاجران در کوره‌راهها می‌خزید، به شاهراه می‌رسید و در جاده بزرگ، به سوی مغرب راه می‌افتاد. اتومبیلها سپیده‌دم مانند ساسها به جانب باختر می‌گریختند. و تا پشت روز به خاک می‌رسید و تاریکی غافلگیرشان می‌کرد، گرد هم می‌آمدند و در گوشه برکه‌ای دور هم می‌لولیدند. مهاجران حس می‌کردند که از دست رفته و متلاشی شده‌اند، چون همه از جایی می‌آمدند که بنیوایی و اندوه بر آن فرمان می‌راند – آنجا که تحقیر شکست را تحمل کرده بودند – و چون همه به جانب کشور تازه و شگفتی می‌رفتند، دور هم جمع می‌شدند، با یکدیگر حرف می‌زدند، زندگی‌شان، خوارکی‌شان و آنچه از سرزمین جدید انتظار داشتند، همه را با هم تقسیم می‌کردند.

(خوشه‌های خشم –

صفحه ۳۴۳)

جان اشتاین بک؛ نویسنده طبیعت گرا | ۲۰ دسمبر؛ سالروز درگذشت جان اشتاین‌بک، نویسنده امریکایی

● جان ارنست استاین‌بک جوینور مشهور به «جان اشتاین‌بک» متولد ۲۷ فروری ۱۹۰۲ بود. وی یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرخواننده‌ترین نویسندگان قرن بیستم و از نمایندگان ادبی ناتورالیسم است. این نویسنده امریکایی هم جایزه پولیتزر ادبی و هم نوبل را از آن خود کرده و در بیشتر آثارش به وضعیت پرنج طبقه کارگر و فرودست جامعه می‌پردازد.

از بهترین آثارش می‌توان به خوشه‌های خشم، موش‌ها و آدم‌ها، شرق بهشت و داستان کوتاه مار اشاره کرد که در این شماره از راه مدنیت می‌خوانید.

۴

● سال نهم● شماره ۶۶۳ ● یک‌شنبه ۳۰ قوس ۱۳۹۹

فرهنگ

madanyatdaily.com

مدنیت

داستان کوتاه | مار

نویسنده : جان اشتاین بک

● هوا تاریک شده بود که دکتر فیلیبز جوان کوله‌پشتی خود را به شانه انداخت و برکه ماهیگیری را ترک گفت. از تخته‌سنگ‌ها بالا رفت و با گالوش‌هایش که تاپ‌تاپ می‌کرد طول کوچه را پیمود. وقتی به آزمایشگاه تجارتی خود که در کوچه کنسروسازی «مونتری» واقع بود رسید چراغ‌های کوچه روشن شده بود. آزمایشگاه دکتر ساختمان کوچک ولی محکمی بود که یک نیمه آن در خشکی قرار داشت و نیمه دیگری روی پی‌هایی بنا شده بود که در آب‌های خلیج کار گذاشته بودند. در هر دو طرف ساختمان کنسروفروشی‌ها با بوتل‌های بزرگ ساردین غوغا کرده بودند.

دکتر از پله‌های چوبی بالا رفت و در را گشود، موش‌های سفید در قفس‌هایشان خود را به بالا و پایین سیم‌ها زدند و پشک‌های زندانی در جاهای خود برای شیر سروصدا راه انداختند. دکتر فیلیبز چراغ خیره‌کننده اتاق عمل را روشن کرد و کوله‌پشتی خیس خود را روی زمین انداخت. کنار کلکین نزدیک قفس‌های شیشه‌یی که مارهای زنگی در آن می‌زیستند رفت، تکیه داد و به آن‌ها نگریست. مارها در گوشه‌های قفس دسته‌دسته چنبر زده بودند و راحت کرده بودند. اما سرهایشان واضح بود. چشم‌های تارشان انگار به چیزی نمی‌نگریست اما همین که مرد جوان به قفس تکیه داد، زبان‌های شکاف‌دارشان با نوک‌های سیاه و پشت صورتی زنگ بیرون آمدند و آرام به بالا و پایین تکان خوردند و بعد که مارها او را شناختند زبانک‌ها را تو کشیدند.

دکتر فیلیبز جمپر چرمیش را درآورد و آتشی در بخاری آهنی افروخت. یک چای‌جوش آب روی بخاری گذاشت و یک بوتل حلبی لوبیا در آن انداخت. بعد ایستاد و به کوله‌پشتی‌اش که روی زمین بود نگاه کرد. مردی جوان و باریک‌اندام بود و چشمان آرام کار کرده‌یی، چشمان کسی که زیاد به میکروسکپ می‌نگرد و ریش بور کوتاهی داشت.

بخاری گرگر صدا کرد و گرمایی از آن بیرون زد. موج‌های کوچک پایه‌های عمارت را آرام‌آرام می‌شستند. در قفسه‌های اطراف اتاق پشت سر هم طرف‌های انباشته از نمونه‌های حیوانات دریایی بود که به وسیله آزمایشگاه خرید و فروش می‌شد.

دکتر درِی را گشود و به اتاق خوابش که یک جهره انباشته از کتاب، با یک تختخواب سفری و یک چراغ روی میزی و یک صندوق چرمی ناراحت بود رفت. گالوش‌هایش را درآورد و دم‌پایی‌های پشمی‌اش را برد، وقتی به اتاق اول برگشت آب در چای‌جوش زمزمه می‌کرد. کوله‌پشتی‌اش را روی میز برابر نور سفیدرنگ چراغ گذاشت و ده بیست تا ستاره دریایی معمولی از آن درآورد. آن‌ها را پهلوی هم روی میز چید. چشم‌های کارکنته‌اش متوجه موش‌های پر سر و صدای قفس‌های سیمی شد.

یک مشت دانه از یک پاکت کاغذی درآورد و در ظرف غذای آن‌ها ریخت. موش‌ها در یک چشم به هم زدن از سیم‌ها پایین جستند و خود را روی دانه‌ها انداختند.

یک بطری شیر روی یک قفسه شیشه‌یی بود، میان ظرفی که هشت‌پای کوچکی در آن شناور بود و ظرف دیگری که ماهی مخصوصی در آن بود. دکتر فیلیبز بوتل شیر را برداشت و به قفس پشک‌ها متوجه شد، اما پیش از اینکه ظرف‌های شیر را پر بکند در قفس را باز کرد و به آرامی یک پشک بزرگ آل‌پلنگی مو فرفری را از آن بدر آورد. پشک را لحظه‌یی نوازش کرد و بعد او را در صندوق کوچکی که رنگ سیاه به آن زده بودند گذاشت. درش را بست و آن را قفس کرد و بعد شیردانی را که گاز به اتاق مرگ (یعنی همان صندوق) می‌فرستاد باز کرد! ضمن آنکه تقلاي کوتاه و آرامی در صندوق سیاه می‌گذشت دکتر تعلبکی‌ها را برای پشک‌های دیگر از شیر پر کرد. یکی از پشک‌ها زیر دستش قوز کرد. دکتر آرام خندید و گردن او را ناز کشید. صندوق اکنون آرام بود. شیردان گاز را به حال خود گذاشت زیرا صندوق در بسته باید پر از گاز باشد.

روی بخاری، چای‌جوش آب قل‌قل می‌جوشید و با جوش و خروش به دور بوتل پر از لوبیا می‌خورد. دکتر فیلیبز بوتل حلبی را با یک انبرک بزرگ درآورد، سرش را باز کرد و لوبیاها را در یک بشقاب شیشه‌یی ریخت و درحالی که می‌خورد، متوجه ستاره‌های دریایی روی میز بود. از ستاره‌های دریایی که روی هر پره‌شان خط سفیدی بود، قطرات ریز مایع سفیدرنگی تراوش می‌کرد. لوبیاها که تمام شد بشقاب را در روشویی گذاشت و به طرف قفسه اسباب‌ها رفت. از این قفسه یک میکروسکپ و یک دسته ظرف‌های شیشه‌یی کوچک درآورد. ظرف‌ها را یکی بعد از دیگری به وسیله شیری از آب دریا پر کرد و آن‌ها را کنار ستاره‌های دریایی ردیف کرد. ساعتش را از محش باز کرد و آن را روی میز زیر نور سفید گذاشت. موج‌ها با آه‌های کوتاه پایه‌های زیر بنا را می‌شستند، از کشو قطره‌چکانی درآورد و روی ستاره‌های دریایی خم شد.

در همین لحظه صدای پای آرام ولی عجله‌کننده‌یی روی پله‌های چوبی به گوش خورد و محکم در را کوبید. وقتی دکتر جوان رفت در را

بگشاید اثری از ناراحتی بر صورتش آشکار شد. زن بلند قد و لاغری در آستانه در ایستاده بود. سر تا پا سیاه بود. موهای صاف و سیاهش که در قسمت پیشانی مسطحش کوتاه چیده شده بود، درهم و برهم بود. انگار باد آن را آشفته کرده بود. چشم‌های سیاهش با نوری قوی می‌درخشید. از نوی گلو یا صدایی نرم گفت:

– اجازه هست بیایم داخل؟ می‌خواهم با شما حرف بزنم.

دکتر از روی بی‌میلی گفت: – الان سرم خیلی شلوعه. باید کارهایی را سر وقت تمام کنم؛ اما از جلوی در کنار رفت و زن بلند قامت داخل شد.

– صبر می‌کنم تا شما بتوانید با من گپ بزنید.

در را بست و صندلی ناراحت را از اتاق خواب آورد و عذر خواست:

– می‌دانید حالا موسم کار ماست و من باید خیلی کار انجام بدهم. خیلی‌ها می‌آیندند و سؤال‌های بیخودی می‌کردند و او توضیحات خسته‌کننده برای موارد معمولی از بر داشت و طوطی‌وار آن‌ها را می‌گفت.

– بفرمایید. چند دقیقه دیگر به گپ‌هایتان گوش خواهم داد.

زن بلندقامت به میز تکیه داد. مرد جوان با قطره‌چکان مایعی را که از میان شیارهای ستاره دریایی تراوش می‌کرد جمع آورد و آن را در کاسه آب ریخت و بعد مایع سفیدرنگی را هم در همان کاسه ریخت و با قطره‌چکان آب را به آرامی به هم زد و شروع کرد تندتند توضیحات معمولی‌شان دادن:

– وقتی ستاره دریایی به سن بلوغ جنسی می‌رسد اگر در آب آرام و بی‌جذر و مدی قرار گیرد، نطفه‌های نر یا ماده را از خود دفع می‌کند! من نمونه‌هایی را که به حد بلوغ رسیده‌اند انتخاب می‌کنم. آن‌ها را از آب دریا بیرون می‌آورم و در وضع آرامی قرار می‌دهم. اکنون تخمک‌های نر و ماده را به هم آمیخته‌ام... بعد قدری از این مایع در هریک از این ده گیلاس مدرج می‌ریزم. در عرض ده دقیقه آن‌هایی را که در گیلاس اول گذاشته‌ام با جوهر نعناع می‌کشم بعد گروه دوم را و بعد سر هر بیست دقیقه یک دسته را می‌کشم و بنابراین مرحله‌های خاصی را در موارد معین تحت تجربه می‌آورم و دسته‌دسته روی شیشه میکروسکپ می‌گذارم و برای مطالعات مربوط به زیست‌شناسی آماده می‌سازم.

و سکوت کرد. بعد: – می‌خواهید دسته اول را زیر میکروسکپ ببیند؟

– نه مشکرم.

شتاب‌زده به طرف زن برگشت. همه مردم همیشه می‌خواستند از پشت میکروسکپ نگاه کنند. زن به هیچ‌وجه به میز نمی‌نگریست. فقط به او نگاه می‌کرد. چشم‌های سیاه زن به او متوجه بود اما انگار نمی‌دیدش. او فهمید چرا؟ سیاهی چشمش درست همرنگ مردمک چشمش بود. سیاه سیاه. هیچ رنگ مشخصی بین آن دو نبود. دکتر فیلیبز از جواب او دلش گرفت. هرچند جواب دادن به سؤال‌ها کلافه‌اش می‌کرد، بی‌اعتنایی زن نسبت به کاری که می‌کرد خاطرش را رنجاند. میلی به برانگیختن زن در او بیدار شد.

– در ده دقیقه‌یی که باید منتظر نتیجه باشم کاری را می‌بایست انجام بدهم. بعضی‌ها دوست ندارند این کارها را ببینند. شاید بهتر باشد بروید به آن اتاق تا کار من تمام بشود.

زن با آهنگ نرم و یکنواخت گفت: نه، هر کاری دلتان می‌خواهد بکنید. من صبر می‌کنم تا فرصت پیدا بکنید با من گپ بزنید.

دست‌های زن در کنار هم روی دامانش آرامیده بود. خودش کاملاً راحت نشسته بود. چشمانش می‌درخشید اما بقیه بدنش انگار در یک حالت اشتیاق و تحریک پلانکتیلفی بود.

مرد اندیشید: «بست‌ترین نوع تحول‌ها نیز تقریباً به پستی تحول قورباغه، به خوبی از نگاه‌ها پیداست».

میل به تحریک و برانگیختن زن از حالت بی‌اعتنایی که به کار او داشت باز منصرفش کرد.

یک گله‌پازر چوبی آورد و نزدیک میز گذاشت. چاقوهای کوچک جراحی را آورد و سرنگ بزرگی را به یک بادکنک لاستیکی وصل کرد و از اتاق مرگ، نعش پشک مرده را درآورد و آن را در گهواره گذاشت و پاهای پشک را به قلاب‌های گوشه‌های گهواره بست.

زیرچشمی به زن نگاه کرد. زن تکان نخورده بود. هنوز در نهایت راحتی بود.

پشک در نور چراغ نیش وا کرده بود. زبان صورتی رنگش لای دندان‌های تیزش کلید شده بود. دکتر فیلیبز ماهرانه پوست خرخره او را برید. با چاقوی کوچکی گلویش را چاک داد و شریانی را یافت. با مهارت کاملی سوزن را در رگش فرو کرد. آن را با زه بست و توضیح داد:

– مایع ضدعفونی. بعد پلاسما را به سیستم وریدی و گلبول قرمز را به سیستم شریانی تزریق خواهم کرد. برای خون‌ریزی‌های عمل جراحی، کلاس‌های زیست‌شناسی.

باز به او نگاه کرد. چشم‌های سیاه زن انگار غبار گرفته بود. بی‌هیچ تأثری به گلوی باز پشک نگاه کرد. یک قطره خون هم حرام نشده بود. پریدگی پاک‌پاک بود. دکتر فیلیبز به ساعتش نگاه کرد و گفت: «وقت دسته اول» و چند قطعه متبلور جوهر نعناع در گیلاس مدرج اول ریخت.

زن عصبانیش می‌کرد. موش‌ها در قفس‌هایشان از سیم‌ها بالا می‌رفتند و آهسته زق‌زق می‌کردند. موج‌های زیربنا با لرزه‌های کوچک به پی‌ها می‌خورد. مرد جوان لرزید. چند تکه ذغال در بخاری انداخت و نشست و گفت: «اکنون تا بیست دقیقه بی‌کارم» و متوجه شد که چقدر فاصله میان لب زبری و نوک چانه زن کوتاه است. انگار زن آهسته بیدار می‌شد. از بیخودی عمیقی که در آن غرق گشته بود بیرون می‌آمد. سرش بلند شد و چشم‌های سیاه غبارآلودش به اطراف اتاق گردید و بعد به او متوجه شد. دست‌هایش همچنان در دامانش کنار هم آرامیده بود. «من منتظرتان بودم. مار دارید؟»

مرد تقریباً گفت: – چرا! تقریباً ده بیست تا مار زنگی دارم زهر آن‌ها را می‌گیرم و به آزمایشگاه‌هایی که پادزهر درست می‌کنند می‌فرستم.

جان اشتاین بک؛ نویسنده طبیعت گرا | ۲۰ دسمبر؛ سالروز درگذشت جان اشتاین‌بک، نویسنده امریکایی

● جان ارنست استاین‌بک جوینور مشهور به «جان اشتاین‌بک» متولد ۲۷ فروری ۱۹۰۲ بود. وی یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرخواننده‌ترین نویسندگان قرن بیستم و از نمایندگان ادبی ناتورالیسم است. این نویسنده امریکایی هم جایزه پولیتزر ادبی و هم نوبل را از آن خود کرده و در بیشتر آثارش به وضعیت پرنج طبقه کارگر و فرودست جامعه می‌پردازد.

از بهترین آثارش می‌توان به خوشه‌های خشم، موش‌ها و آدم‌ها، شرق بهشت و داستان کوتاه مار اشاره کرد که در این شماره از راه مدنیت می‌خوانید.

زن همچنان به او نگاه می‌کرد اما نگاهش تنها به او متمرکز نشده بود. مثل اینکه چشم‌هایش او را می‌پوشانید و به شعاع یک دایره بزرگ تمام اطراف او را می‌پایید.

– مار نر دارید؟ مار زنگی نر؟

– بله. اتفاقاً می‌دانم که دارم. یک روز صبح آمدم و دیدم که مار بزرگی با مار کوچکی نزدیک شده است. این حالت وقتی که مارها در بند هستند خیلی کم اتفاق می‌افتد. می‌دانید؟ یقین دارم که مار نر دارم.

– کجاست؟

– آن‌جا. نزدیک کلکین. داخل قفس شیشه‌یی.

سر زن آهسته چرخید. اما دست‌های آرامش تکان نخورد. برگشت و روبه‌روی او قرار گرفت: – اجازه هست ببینمش؟

مرد برخاست و به طرف قفس کنار کلکین رفت. روی شن‌ها چنبر مارهای زنگی به هم پیچیده و درهم شده بود. اما سرهایشان واضح بود، زبانک‌ها بیرون آمد و لحظه‌ای مردد ماند و بعد بالا و پایین به حرکت آمد و هوا را درحال نوسان مزمزه کرد. دکتر فیلیبز سرش را با حرکتی عصبی برگردانید. زن کنارش ایستاده بود.

صدای پا شدن او را از روی صندلی نشنیده بود. فقط صدای چلپ‌چلپ آب در میان پی‌های عمارت و گریز موش‌ها را روی سیم‌ها شنیده بود. زن به نرمی گفت: – کدامش مار نری است که می‌گفتید؟

مرد به مار کلفتی که به رنگ خاکستری چرک بود و تنها در گوشه قفس چمباتمه زده بود اشاره کرد:

– این یکی. پنج پا درازی آنست. آن را از نگزاس آورده‌اند، مارهای کناره‌های اقیانوس معمولاً کوچک‌ترند. او همه موش‌ها را خورده است. وقتی می‌خواهم به دیگران غذا بدهم مجبورم او را از قفس در بیاورم.

زن به سر خشک بی‌مغز مار نگاه کرد. زبانک شکاف‌دار بیرون آمد و لحظه‌یی طولانی همچنان می‌لرزید. گفت: – مطمئن هستید که نر است؟

مرد با چرب‌زبانی گفت: – مارهای زنگی خنده‌دارند. تقریباً هر اظهارنظری درباره‌شان اشتباه از آب در می‌آید. من دوست ندارم عقیده معینی درباره آن‌ها بگویم... اما بله می‌توانم به شما اطمینان بدهم که نر است.

نگاه زن از روی سر صاف مار تکان نمی‌خورد. گفت:

– آن را به من بفروشید!

مرد داد زد: – بفروشم؟ به شما بفروشم.

– شغل شما فروش نمونه‌هاست، نیست؟

– بله. البته. خیلی خوب، می‌فروشم؛ البته می‌فروشم.

– چند؟ ۵ دلار؟ ۱۰ دلار؟

– نه بیشتر از ۵ دلار ارزش ندارد، اما... شما اطلاعی از مار زنگی دارید؟ ممکن است نیشتان بزند.

زن لحظه‌یی به او نگاه کرد و گفت: – نمی‌خواهم او را با خود ببرم، می‌خواهم همین جا باشد؛ اما می‌خواهم مال من باشد، می‌خواهم اینجا بیایم و تماشايش بکنم و غذاییش بکنم و بدانم که مال من است و در کیسه کوچکی را باز کرد و ۵ دلار درآورد: بیایید حالا مال من است!

دکتر فیلیبز ترسید و گفت:

– می‌توانید بیایید و تماشايش بکنید، دیگر لازم نیست بخریدش.

– می‌خواهم مال خودم باشد.

دکتر فریاد زد: «خدايا وقت از یادم رفت» و به طرف میز دوید: «سه دقیقه گذشته. اما زیاد اهمیت ندارد». چند قطعه متبلور جوهر نعناع در گیلاس مدرج دسته دوم انداخت و خودبه‌خود به طرف قفس مار، آنجا که زن ایستاده بود و هنوز خیره به مار می‌نگریست کشیده شد؛ زن پرسید:

– چی می‌خورد؟

– موش سفید بهشان می‌دهم؛ از موش‌هایی که در آن قفس آنجا هستند.

– می‌شود او را در یک قفس تنها بگذارید؟ می‌خواهم غذاییش بدهم.

– غذا لازم ندارد، این هفته یک موش تمام خورده. مارها بعضی وقت‌ها سه چهار ماه هیچ چیز نمی‌خورند. یک مار داشتم که یکسال تمام هیچی نخورد.

تمام صدای یکنواخت و آهسته‌اش پرسید:

– ممکن است یک موش به من بفروشید؟

مرد شان‌اش را بالا انداخت: – فهمیدم. می‌خواهید ببینید مار چطور غذا می‌خورد؟ بسیار خوب نشاناتن می‌دهم، قیمت موش ۲۵ سنت است. از یک نقطه‌نظر از جنگ گاو وحشی دیدنی‌تر است. ولی از نظر دیگر فقط مار ناهار خود را تناول می‌کند.

آهنگ کلامش به تلخی گراییده بود، او از آدم‌هایی که با اعمال طبیعت می‌خواستند بازی بکنند و لذت ببرند بدش می‌آمد. او مردی بود ورزشکار. یک نفر طبیعی‌دان بود. می‌توانست هزارها حیوان را به خاطر علم بکشد اما برای لذت شخصی حتی به آزار حشره‌یی هم راضی نبود. قبلاً در این‌باره فکرهايش را کرده بود.

زن سرش را به آرامی به طرف او گردانید و آغاز تبسمی بر لب‌های نازکش شکل گرفت. گفت: «می‌خواهم به مار غذا بدهم، می‌گذارمش در یک قفس دیگر» و پیش از اینکه مرد بداند چه می‌کند در قفس را باز کرد و دستش را کرد داخل. مرد به جلو پرید و او را به عقب کشید. در با صدا بسته شد. وحشیانه پرسید:

– مگر دیوانه‌اید؟ ممکن است چنان حالتان را بد بکند که هیچ کاری از دست من برنیاید.

به آرامی گفت: پس خودتان در قفس دیگر بگذاریدش.

دکتر فیلیبز تقریباً لرزید و دریافت که از چشم‌های سیاهی که انگار به هیچ چیز نمی‌نگرد، هراس دارد. احساس کرد کار خطایی است که موش را در قفس بگذارد. کاملاً گناه است و نمی‌دانست ◀





روز بین‌المللی همبستگی بشر

- ۲۰ دسامبر (۲۹ قوس) در تقویم مناسبت‌های جهانی به‌عنوان روز بین‌المللی همبستگی بشر تعیین شده‌است. روز بین‌المللی همبستگی، در سال ۲۰۰۵ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به‌عنوان ابتکاری در «جنگ علیه فقر» مطرح شد. قطع‌نامه ۲۰۹/۶۱۰ مجمع عمومی تحت‌عنوان اجرای دهه اول ملل متحد برای از‌بین بردن فقر (۲۰۰۶–۱۹۹۷) اعلام کرده‌است که: «… سران کشورها و دولت‌ها، همبستگی را به‌عنوان یکی از ارزش‌های جهانی و بنیادین که روابط بین‌الملل را در قرن بیست و یکم در برمی‌گیرد، به رسمیت می‌شناسند و در این نگاه تصمیم می‌گیرند تا ۲۰ دسامبر هر سال را، روز بین‌المللی همبستگی اعلام کنند.» قبل از آن قطع‌نامه ۵۷/۲۶۵ مجمع عمومی در بیستم دسامبر ۲۰۰۲، صندوق همبستگی بین‌المللی تأسیس شد که در فبروروی سال ۲۰۰۳ به‌عنوان یک سرمایه‌امانی برنامه‌های توسعه سازمان ملل به کار گرفته شد. هدف آن، حذف فقر و ارتقای توسعه انسانی و اجتماعی در کشورهای درحال توسعه بود، به ویژه میان فقیرترین قسمت‌ها.

مذیت

فلم حوا، مریم و عایشه؛ مردستیز یا واقع‌گرا؟

محتوای فلم می‌تواند از اعتراض‌های مدنی و اجتماعی گرفته تا بیان و انتقال احساسات باشد

- محمد باقر حسینی**

● فلم حوا، مریم و عایشه فلمی‌ست که از سه‌بخش ظاهرا مجزا تشکیل شده که در آخر در یک راهروی مطب یک دکتر زنان به هم وصل می‌شود. همانطور که از اسم فلم پیداست داستان درباره سه‌شخصیت به نام‌های حوا، مریم و عایشه می‌باشد که هر کدام درگیر حوادثی می‌شوند. شاید یک‌عده با دیدن این فلم آن را یک فلم مردستیزانه بدانند و از اینکه در تمام فلم، مردها را مدام شخصیت‌های اسیرکننده هوسباز و بی‌توجه نشان داده‌اند آزرده شوند، اما باید توجه داشت به اینکه دنیای هنر دنیای آزاد بودن است و نمی‌توان هیچکس را مجبور کرد که فلان اثر هنری را تولید کند یا تولید نکند.

ما در هنر و مخصوصا در فلم فقط می‌توانیم ازین بعد به اثر نگاه کنیم که آیا فلم در انتقال محتوای مدنظر موفق بوده یا نبوده.

این محتوا گاهی می‌تواند بسیار متنوع باشد از اعتراض‌های مدنی و اجتماعی گرفته تا بیان و انتقال احساسات یا نمایش فرم‌های مختلف هنری یا نشان دادن خلاقیت و نوآوری‌های تازه.

در فلم حوا، مریم وعایشه موضوع، اعتراض به نگاه‌های موجود در جامعه به زنان است. صحرا کریمی در بعضی قسمت‌ها توانسته حرف خودش را بیان کند اما در بعضی از قسمت‌ها فلم از چوکات هنری و سینمایی بودن بیرون زده و تبدیل به یک بیانیه شده است.

با توجه به شعار معروف سینما که می‌گوید: (حرف زن، نشان بده) خانم کریمی هرجایی از فلم که با تصویر حرف زده موفق‌تر عمل کرده و هر جایی از فلم که اطلاعات به‌صورت رگباری و با دیالوگ به مخاطب منتقل شده ناموفق بوده است. شاید بتوان گفت سینمایی‌ترین قسمت فلم، قسمت مربوط به شخصیت حوا است.

ادامه داستان…

چرا؟ غالباً برای این و آن موش در قفس مارها انداخته بود و آن‌ها تماشا کرده بودند، اما این آرزو، این میل در این شب او را رنج می‌داد.

سعی کرد خودش را مجاب بکند. گفت: «خیلی تماشایی است به شما طرز کار مار را نشان می‌دهد. شما را وا می‌دارد که به مار با نظر احترام بنگرید. خیلی‌ها درباره مارهای کشنده خیال‌بافی‌هایی می‌کنند. من فکر می‌کنم این خیال‌بافی‌ها و ترس‌ها از این نظر است که آدم خودش را به جای موش فرض می‌کند. اما اگر آدم واقعیت امر را ببیند که موش در چنگال مار است ترس از سرش می‌پرد.»

چوب درازی را که سرش يك دام چرمی تعبیه شده بود، از دیوار برداشت در قفس مارها را باز کرد و دام چرمی را به سر مار بزرگ انداخت و آن را محکم کرد. صدای فش فش خشک و سوراخ‌کننده‌ای تمام اتاق را گرفت. هیکل کلفت مار پیچ و تاب خورد و خود را به دسته چوب زد و مرد او را از قفس درآورد و به قفس غذاخوری انداخت. مار يك لحظه آماده نیش زدن ایستاد اما فش فش او کم‌کم متوقف شد. به گوشه‌بی خزید. با هیکل بزرگش شکل ۸ را نقش کرد و آرام ماند.

مرد جوان توضیح داد: «می‌بینید این مارها کاملاً اهلی هستند. خیلی وقت است که آن‌ها را دارم. فکر می‌کنم اگر بخوام می‌توانم با دست بگیرمشان. اما به عقیده من مار، هر مارگیری را دیر یا زود می‌زند. من نمی‌خوام این را تجربه کنم.»

به زن خیره نگاه کرد. نفرت داشت که موش را در قفس بیندازد. زن در برابر قفس جدید رفته بود. با چشم‌های سیاهش به سر سخت مار خیره شده بود گفت:

- موش را در قفس بیندازید.

دکتر از روی بی‌مبلی سر قفس موش‌ها رفت. به علتی دلش به حال موش‌ها می‌سوخت. چنین احساسی هرگز در او پیدا نشده بود. چشم‌هایش به توده سفید بدن‌هایی افتاد که مقابل او به سیم‌ها هجوم کرده بودند.

فکر کرد: «کدامش را؟ کدامشان باید قربانی بشود؟» و ناگهان خشمگین به زن رو کرد: «بهتر نیست پشکی در قفس بیندازم تا یک جنگ واقعی را تماشا بکنید؟ ممکن است حتی پشک غالب بشود. اما اگر فائق بشود، ممکن است مار را بکشد. اگر میل داشته باشید پشکی بهتان می‌فروشم.»

زن حتی به او نگاه نکرد؛ گفت:

- موش بیندازید، می‌خوام مارم غذا بخورد.

در قفس موش‌ها را باز کرد و دستش را برد تو؛ انگشت‌هایش دم يك موش را یافتند؛ موش چاقی را که چشم‌های قرمز داشت از قفس بیرون کشید؛ موش کوششی کرد تا انگشت‌های او را گاز بگیرد و چون نتوانست از دمش بی‌حرکت آویزان ماند؛ تند طول اتاق را پیمود، در قفس غذاخوری را باز کرد و موش را روی شن‌ها پرتاب کرد. - حالا تماشا کنید!

زن جوابی نداد؛ چشم‌هایش به مار که آرام دراز کشیده بود، دوخته شده بود. زبان مار تندتند بیرون می‌آمد و تو می‌رفت و هوای قفس را مزمره می‌کرد.

۵ | madanyatdaily.com

اجتماع

فلم حوا، مریم و عایشه؛ مردستیز یا واقع‌گرا؟

محتوای فلم می‌تواند از اعتراض‌های مدنی و اجتماعی گرفته تا بیان و انتقال احساسات باشد

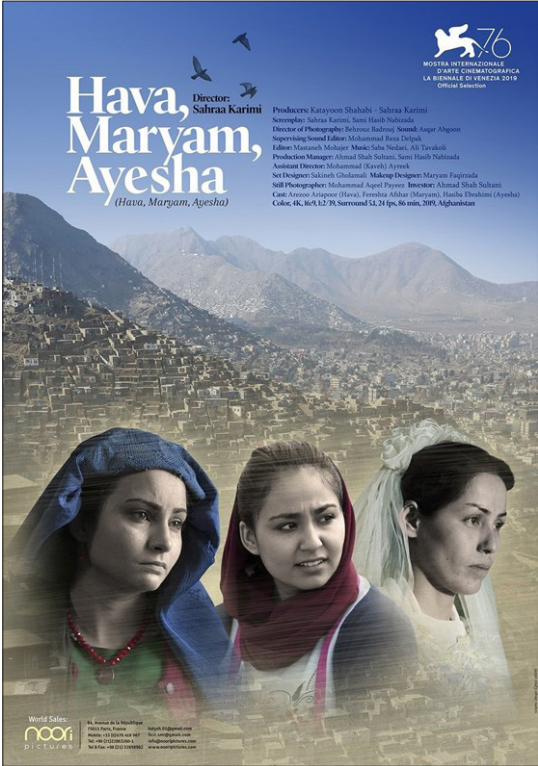
- محمد باقر حسینی**

کارگردان در این بخش توانسته بیشتر حرف‌های خود را با تصاویر بیان کند و از نمادها برای انتقال احساسات و انتقال محتوای خود استفاده کند. مانند نماد پرنده در قفس که نماد خود شخصیت حوا است، اما در بخش دوم عملا نوددرصد روایت داستان با حرف زدن یک شخصیت با تلیفون به مخاطب منتقل می‌شود که فلم را حوصله سر بر می‌کند. شخصیت محدود، لوکیشن محدود، دیالوگ‌های طولانی و فضای بسته از عوامل دیگری هستند که باعث خسته‌کن‌تر شدن این قسمت می‌شود، اما در اپیزود سوم کار دوباره کمی جان می‌گیرد و باعث می‌شود که رخوت بخش دوم از بین برود.

شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین نقطه ضعف فلم، فلم‌نامه است. حتی در بخش اول که بهترین بخش فلم است اتفاق محرک داستان خیلی

و اما در مورد بازیگران؛ در کل سطح بازیگری در افغانستان پایین است و بازیگران نمی‌توانند تمام پتانسیل کارکتر را دریابند و علاوه بر آن نمی‌توانند با خلاقیت خود به نقش چیزی اضافه کنند. به‌همین دلیل بازی بازیگران را باید نسبت به شرایط موجود ارزیابی کرد. خانم آریا پور در نقش حوا بازی قابل قبول و باورپذیری ارایه کردند و به ترتیب بعد از ایشان خانم ابراهیمی و در آخر خانم افشار که در نقش

مریم ایفای نقش می‌کردند. در کل اگر بخواهیم بازی بازیگران فرعی را در نظر بگیریم فضای ساخته شده توسط بازیگران فضای قابل باوری برای مخاطب می‌باشد. سخن پایانی این که این فلم می‌تواند شروع دوباره خوبی برای سینمای افغانستان باشد و امید است که خانم کریمی و دیگر کارگردان‌های ما تلاش کنند تا به فرم خاص کارگردانی خود در فلم‌های بعدی خود دست یابند.



موش با پاهایش به زمین نشست؛ برگشت و دم لخت صورتی رنگ خودش را بو کرد و بعد بی‌خیال روی شن‌ها ور جهید و همینطور که حرکت می‌کرد آن‌ها را بو می‌کرد؛ اتاق آرام بود؛ دکتر فیلیپز آه کشید، یا زن بود که آه کشید. از گوشه چشم پیکر زن را دید که پیچ و تاب می‌خورد و منقبض می‌شد.

مار آرام و آهسته تکان خورد؛ زبانش تو می‌آمد و بیرون می‌رفت؛ حرکتش چنان تدریجی و چنان آرام بود که انگار اصلاً نمی‌جنبید؛ در گوشه دیگر قفس موش سر دو پاننشسته بود و موهای سفید لطیف سینه‌اش را می‌لیسید؛ مار جلو می‌رفت و درازیش همچنان يك منحنی گود را به شکل s حفظ می‌کرد.

سکوت برای مرد جوان خردکننده بود؛ احساس کرد که خون به صورتش می‌دود. بلند گفت: «تماشا کن، منحنی موقع جنگ را حفظ می‌کند. مارهای رنگی خیلی محافظه کارند. تقریباً حیوانات ترسویی هستند. ساختمان بدنشان خیلی دقیق است. غذای يك مار به مهارت و دقت يك عمل جراحی صرف می‌شود.»

مار اکنون به میان قفس رسیده بود. موش نگاه کرد، مار را دید و بعد بی‌خیال به لیسیدن سینه‌اش ادامه داد. مرد جوان گفت: «این زیباترین چیزهای جهان است.» و نبضش به سرعت می‌زد.

مار اکنون نزدیک شده بود. سرش را به اندازه چند بند انگشت از زمین بلند کرده بود. سر آهسته جلو و عقب می‌خزید، نشانه می‌گرفت، فاصله می‌گرفت نشانه می‌گرفت. دکتر فیلیپز باز به زن نگاه کرد. حالت تهوع گرفت. زن هم تکان می‌خورد. نه تکان زیاد. فقط بفهمی نفهمی.

موش نگاه کرد و مار را دید. با چهار پا برجست و عقب نشست و آنگاه ضربه نیش! دیدنش ممکن نبود. مثل برق بود، موش لرزید. انگاز زیر يك ضربت نامرئی می‌لرزید. مار به عجله به گوشه قفس به همانجا که آمده بود عقب نشست و راحت ماند. زبانش مدام کار می‌کرد. دکتر فیلیپز فریاد زد:

- آفرین! درست میان گرده‌هایش. نیش او ممکن است به قلبش هم رسیده باشد.

موش ساکت ایستاده بود. مثل دم آهنگری کوچک سفیدرنگی نفس‌نفس می‌زد. ناگهان به هوا پرید و بعد به پهلو به خاک افتاد. پاهایش يك لحظه لگد متشنجی انداخت و بعد مرید.

زن تمدد اعصاب کرد. راحت شد. مثل اینکه خوابش می‌آمد.

مرد جوان پرسید: - خوب. ارضای احساسات بود؟ نه؟

زن چشم‌های مه‌آلودش را به او متوجه کرد و پرسید: - حالا می‌خوردش؟!

- البته که می‌خوردش. بیخود که نکشتش. برای این کشتش که گرسنه بود.

گوشه‌های دهان زن باز کمی بالا رفت، دوباره به مار نگریست و گفت:

- می‌خوام ببینم چه جوری می‌خوردش!

دوباره مار از گوشه‌یی که خزیده بود به در آمد. دیگر در پشت گردنش انحنایی نداشت. با ناز به موش نزدیک می‌شد و مجهز بود که در صورت لزوم عقب بنشیند. جسد را به آرامی با بینی نامعلومش بو کرد و کمی سر برداشت. از مردنش که اطمینان یافت سر تا دم جسد را با آرواره‌اش لمس کرد. مثل اینکه آن را اندازه می‌گرفت و

طنز
<p>عاقبت فرار از خانه</p>
<p>نجیب ارمان</p>
<p>● من ، با مادربزرگ خود یکجا زندگی می‌کنم. در خانه‌یی که نزدیک روستای دورافتاده فاریاب است؛ برای گرم نگهداشتن آن خانه، از روزی که زمستان فرا رسیده از یک بخاری غیر استندرد استفاده می‌کنیم. مادر بزرگم همیشه در مورد خطرات این بخاری و احتمال گازگرفتگی ما هشدار می‌داد، اما من از کنار این همه هشدار ساده می‌گذشتم.</p> <p>یکی از شب‌ها بوی گاز را در هوا استشمام کردم شبی که مادر بزرگم در خانه نبود و من از بخت بد مهمان هم داشتم، همه را از خواب بیدار کردم و به آن‌ها گفتم که هرچه زودتر اتاق را تخلیه کنند، اما آن‌ها نه‌تنها اینکه به گپ من اعتنا نکردند، مرا نیز از بیرون رفتن اتاق باز داشتند.</p> <p>دیدم وضعیت هر لحظه بدتر می‌شود، برای نجات خود به تنهایی در نیمه شب از خانه خارج شدم. بدبختانه روستاها در کنار این همه خوبی یک بدبختی کلان در دامن خود دارد اینکه هر خانه کم از کم به‌خاطر مراقبت از خود دوتا و یگان نفر از لحاظ اقتصادی که وضعیتش خوب باشد، سه‌تا سگ دارد وقتی بیرون بر آمدم تصمیم گرفتم خود را باید به شفاخانه برسانم چون وضع صحی‌ام خوب نبود، همین که به محل تجمع سگ‌های ولگرد رسیدم همه‌یی آن‌ها به یکبارگی سرم حمله کردند، هر کدامش به نوبت گاز گرفتند از سر و صدای من خانه‌هایی که در نزدیکی همین تجمع سگ‌ها بود، بیدار شدند.</p> <p>مجید ماما را خبر کردند، مجید ماما کسی‌ست که در محله ما دستش به جیب می‌رسد وضع مالی‌اش خوب است او به تازگی موتر سراچه خریده بود، مردم محل از او خواهش کردند تا مرا به شفاخانه شهر انتقال دهد، او با جان دل قبول کرد برای اینکه سریع‌تر به شفاخانه برسد، سرعتش را بی رویه تیز کرد، ریز داد و گاز داد و به سان یک پروانه از سر سرک به داخل یک باغ افتاد!</p> <p>این بار بدتر از گذشته حال و روزم خراب شد. وضع صحی‌ام خوب نبود، اما سعی کردم با این همه بلاهایی که به سرم می‌آمد خود را قانع کنم ، اما وضع مجید ماما قابل نگرانی بود، از اینجا هم به کمک مردم محل خود را به شفاخانه شهر رساندیم در شفاخانه وقتی ترس برای گرفتن «گاز جراحی» به‌طرف دواخانه راه افتاد، پایش به تخت من بند ماند و من از روی آن افتادم به روی زمین، همان چهار تا استخوانی که به بدنم سالم مانده بود هم شکست و من برای سومین بار قربانی گاز گرفتگی شدم.</p> <p>صبح زود مهمانانم با سرو وضع ژولیده به شفاخانه عیادتم آمدند، دیدم خوشبختانه دچار گازگرفتگی نشده‌اند. به این ترتیب من از یک گازگرفتگی فرار کرده بودم در اثر عواقب سه‌گازگرفتگی دیگر بدنم کاملاً آتش و لاش شد و مدت‌ها در شفاخانه بودم، تداوی این سه آفت ماه‌ها زمان برد، دستم به پیچکاری و زرق سیرم رو شد.</p> <p>روزی از روزها بود که یکی از دکتران پیشنهاد داد تا بعد از مرخصی بروم و به مردم محل خود از این طریق خدمت کنم؛ مدت‌هاست من نیمچه داکتر روستای خودم استم. صرف پیچکاری و سیرم از مه ساخته است. به کارهای کلان دست نمی‌زنم. مادر بزرگم می‌گوید: «از سرنوشت نمی‌شود فرار کرد و به یاد داشته باشیم که گازگرفتگی‌های زندگی فقط یک نمونه نیست و انواع مختلف دارد.»</p>



- نشست مجازی پاسداشت سنت‌های مشترک فرهنگی ادبی که به صورت مجازی جمعه شب با همکاری دانشگاه علامه طباطبایی و موسسه فرهنگی اکو برگزار شد. «تاریخ یلدا» در افغانستان، تاجیکستان و ایران بررسی شد. خانم نیلوفر نیک‌سیر و آقای سیدرضا محمدی در این نشست حضور داشتند.

در آستانه ده سالگی راه مدنیت

روزنامه‌ی با خلاقیت فرهنگی | ویژه ۱۰ سالگی

کل احمد یما

نویسنده و استاد دانشگاه



● دهمین سالروز تاسیس روزنامه با اعتبار راه مدنیت را به آقای سید اصغر اشراق؛ موسس و مدیرمسئول دانشمند روزنامه وزین راه مدنیت، همکاران عزیز و پرکارشان و خوانندگان این روزنامه تبریک می‌گویم. خوشحالم که در این دهسال توانسته‌اید در جامعه رسانه‌ی، سیاسی و فرهنگی کشور، جایگاه بسیار افتخارآمیز کسب نمایید. شما در پهلوی سایر مسوولیت‌ها، قدردانی از ارزش‌های فرهنگی، از جمله برگزاری محافل فرهنگی و بزرگداشت از بزرگان فرهنگ و ادب همانند شادروان رهنورد زریاب، کارهای بیش‌تر از فعالیت رسانه‌ی نیز انجام داده‌اید که در خور ستایش است.

به نظر من اهمیت راه مدنیت در تاکید پرمعنایی‌ست بر اندیشه که جامعه جنگ‌زده ما بیش‌تر از هر جامعه بدان نیاز دارد. وقتی این تعبیر نام روزنامه‌ی قرار بگیرد؛ معنادارتر می‌شود، اگر مدنیت به معنای نظم اجتماعی باشد که در آن خلاقیت فرهنگی رخ می‌دهد؛ راه مدنیت در حقیقت راه شکل‌گیری این نظم است در جامعه‌ی که بایست بر این نظم کار صورت بگیرد تا خلاقیت فرهنگی رخ بدهد.

خلاقیت فرهنگی بیش از هر چیز به‌نوآوری تعبیر می‌گردد. نوآوری عبارت از حرکتی که جامعه را نخست با خودش آشنا می‌گرداند و به تعقیب آن موجب دگرگونی در یک بخش یا چند بخش می‌شود. خلاقیت فرهنگی توسط انسان‌های خلاق به‌وجود می‌آید. از نظر اجتماعی انسان‌های خلاق کسانی‌اند که با حیات اجتماعی اصلتا پیوند دارند و اندیشه‌های‌شان در مسیر پیشرفت انسانی سمت می‌یابند.

خلاقیت حاصل خودآگاهی و در برابر خودخواهی قرار گرفتن است. از نظر اندیشه، فعالیت خلاقانه در برابر تقلید قرار دارد. خلاقیت وقتی رخ می‌دهد که انسان بر خود تسلط داشته باشد و نیازهای جامعه را درک کند. درک نیازهای جامعه، انسان خلاق را وا می‌دارد تا مطابق نیازمندی‌ها امکان‌سنجی کند و طرحی را به‌وجود آورد تا مشکلی حل شود.

خلاقیت پاسخی برای مشکلات، تشخیص مشکلات انگیزه خلاقیت است. خلاقیت هم در مسایل معنوی رخ می‌دهد هم در مسایل مادی. از یک‌سو تفکر و اندیشه و مخصوصاً اندیشه‌های مربوط به دین، فلسفه، ریاضیات، منطق، اخلاق، هنر و علم با تفکر خلاقه در هر عصر رنگ خودی می‌گیرد و مباحث مربوط را شکل می‌دهد.

به هر حالت، راه مدنیت خود به خود بر خلاقیت فرهنگی می‌انجامد و وقتی روزنامه راه مدنیت به‌مطالعه گرفته می‌شود، بر اموری که اشاره شد به‌گونه حرفه‌ی می‌پردازد. خبر/گزارش، تحلیل روز، فرهنگ، اجتماع، صلح‌وامنیت، گفتگو، گزارش ویژه، گزارش تحقیقی، ترجمه، اقتصاد، ورزش، کارتون و... از عناوینی است که در کنار عنوان‌های زیرمجموعه دیگر، در حقیقت دلمشغولی رسالت‌مندان گردانندگان این روزنامه وزین را نشان می‌دهد، اگر

مدنیت را فعالیت آگاهانه در جهت ضدیت با جنگ تعبیر کنیم. نخستین وظیفه این روزنامه در راه استقرار صلح در جامعه جنگ‌زده، راه‌اندازی گفت‌وگوها و گفتگوی اندیشه‌های باز است که توسط پیش‌گامان، مسوولان یا چهره‌های متعهد برای ملت و به تعبیر وسیع‌تر مردم باید پیش‌کش شود که متأسفانه اکنون جایش را قطب‌بندی‌های به‌وجود آمده از دستوره‌های سیاسی در سطح کشور، منطقه و جهان گرفته است.

هر روز این اقطاب با شیوه‌های غیرمسئولانه به‌جای اینکه بر ریشه‌های درد متوجه شوند به صداهای برآمده از دردزدگی خود را مشغول می‌دارند و به‌جای پیش‌گامی، رهبریت، پدرمادر، خواهر بزرگ و برادر بزرگ، روشنفکر متفکر خلاق و چسپیده به مردم و ملت، خود را به قوم، زبان، مذهب و جنگنده‌ها در سطح خارجی و داخلی وابسته می‌سازند و به‌تکرار دستوره‌های سیاسی، مشغول می‌شوند، در نهایت خود را در سطح ریزه‌خواران آن دستوردهندگان در می‌آورند.

روندگان راه مدنیت و خلاقیت فرهنگی، خود را سخنگوی ملت قرار می‌دهند و آسیب‌ها را تحلیل می‌کنند تا ریشه درد که بی‌توجهی به فکر و اندیشه مستقل افراد ملی و روشنفکران متعهد است، روشن شود.

چیزی که متأسفانه نمایندگان جهانی جنگ، نه‌تنها آن را اهمیت نمی‌دهند؛ بل با تأکیدات خود بر تجهیز نظامی و امداد پولی، ملت را از نظر فرهنگی تباه می‌سازند، میان‌شان درز ایجاد می‌کنند تا مردم روی صلح را نبینند و جنگ دوام بیاورد.

خوش‌بختانه روزنامه راه مدنیت می‌تواند با پیشینه کاری خود در این دهسال، مدنیت و خلاقیت فرهنگی را با گفتگوهای سازنده و خلاق در خدمت جامعه جنگ‌زده‌ی قرار بدهد که روشنفکرانش می‌خواهند صدای مردم افغانستان باشند.

«فیه ما فیه» مولانا به پشتو ترجمه شد

- ترجمه پشتوی کتاب فیه ما فیه مولانا جلال الدین محمد بلخی روز جمعه در وزارت اطلاعات و فرهنگ رونمایی شد. کتاب فیه ما فیه را محمد جواد نیوش، مترجم جوان کشور در مدت سه سال به پشتو ترجمه کرده که هم‌زمان با سال روز وفات حضرت مولانا رونمایی شد.



اندر حکایت درازترین شب سال

شب یلدا یا شب چله یکی از قدیمی‌ترین جشن‌های به جا مانده از گذشتگان ماست

است. البته برخی هم عقیده دارند که آتش را برای برطرف کردن نحسی اهریمن و تاریکی روشن می‌کردند. وظیفه این آتش از بین بردن و فراری دادن تاریکی و نیروهای اهریمنی بوده است.

● مثل‌گویی یا قصه‌خوانی در شب یلدا

مثل‌گویی که نوعی شعرخوانی و داستان‌خوانی است در قدیم اجرا می‌شده. به این صورت که خانواده‌ها در این شب گرد هم می‌آمدند و پیرترها برای همه قصه تعریف می‌کردند. بیشتر قهرمان‌های داستان‌ها جانوران، دیوان و پریان هستند و برای سرگرمی و خوشایند کودکان گفته و یا نوشته می‌شوند.

● فال حافظ در شب یلدا

معمولاً در شب‌های یلدا بزرگ فامیل به دیوان حافظ تقالی می‌زند. به این ترتیب که مخاطب فال نیت کرده و بزرگ مجلس این جمله یا شبیه به این را می‌گوید: ای حافظ شیرازی، تو کاشف هر رازی، من طالب یک فالم، بر من نظر اندازی...

بعد لای دیوان را باز می‌کند. غزل بالای سمت راست، جواب تقال است. اگر وسط غزل باشد، فال از ابتدای غزل که در صفحه پشت است، خوانده می‌شود. سه بیت از غزل بعدی نیز شاهد فال خواهد بود. بعد از خواندن غزل، فال را تفسیر می‌کند. اگر محتوای شعر مثبت باشد فال را خوب و اگر نباشد آن را بد می‌دانند. از آنجا که عمده غزلیات حافظ دارای محتوایی عرفانی، عاشقانه و امیدوارکننده است؛ فال‌ها معمولاً روحیه بخشنند.

● شاهنامه‌خوانی

شاهنامه‌خوانی جزء جدایی‌ناپذیر شب یلداست. این رسم از دیرباز رایج بوده. جذابیت شاهنامه‌خوانی به شیوه نقالی چند برابر می‌شود. متأسفانه این رسم نقالی در حال نابودی است. باید خیلی خوش شانس باشید که در خانواده‌تان چنین فردی داشته باشید.

● دسترخوان شب یلدا

از جذاب‌ترین آیین‌های شب یلدا یا شب چله، دسترخوان و خوردنی‌های آن است که شامل میوه‌های مخصوص، آجیل مخصوص و دیگر تنقلات است.

● میوه‌های شب یلدا

در سفره یلدا نقش اصلی را میوه‌های سرخ رنگ بر عهده دارند. رنگ سرخ این میوه‌ها نماد خورشید است. انار، تربوز، میوه‌های پاییزی مثل مالته و انواع مرکبات، سیب، امرو، ناک و حتی لبلبو و کدو تنبل می‌توانند جایی در دسترخوان یلدا داشته باشند.

● میوه‌های خشک شب یلدا

مغزهایی مثل پسته، چهارمغز، بادام و فندق اجزای اصلی و مخصوص شب یلدا هستند. در کنار این‌ها انجیر و توت خشک‌شده هم حاضرند. از قدیم نخود و کشمش در بین میوه‌های خشک شب یلدا وجود داشته. غیر از این‌ها گندم و نخود بریان، شاهدانه، تخمه تربوز و کدو هم جز آجیل‌های شب یلدا بوده. به دسترخوان میوه‌های شب یلدا تنقلات امروزی دیگر هم اضافه شده است. روزنامه راه مدنیت برای شما شب یلدای خوش آرزو می‌کند.



● راستی امشب شب چله است! فراموش که نکرده‌اید بساط شب چله را فراهم کنید؟ میوه تازه و میوه خشک که پادتان نرفته؟ به فامیل گفته‌اید امشب زودتر خانه بیایند؟ کتاب حافظ تان دم دست است؟ به چند نفری که می‌شناسید و می‌دانید که اوضاع مالی‌شان خوب نیست کمک کرده‌اید؟ حواستان باشد امشب از آن شب‌هاست که نباید از دست داد!

شب یلدا یا شب چله یکی از قدیمی‌ترین جشن‌های به جا مانده از گذشتگان ماست. هرچند علت نامگذاری این شب بلندتر بودن آن نسبت به دیگر شب‌هاست اما می‌دانیم که درازی این شب با شب‌های دیگر تفاوتی بیش از چند دقیقه کوتاه ندارد و بیشتر بهانه‌یست برای گردهم آمدن فامیل و قصه کردن و نزدیک شدن به همدیگر.

البته اسامال با توجه به اوضاع صحت جهانی و ممنوعیت‌های بهداشتی بهتر است که چشم از مهمانی‌های بزرگ بپوشیم اما خدا تکنالوژی را که از ما نگرفته! همین تلفون‌های هوشمند می‌تواند امشب ما مهمان را تبدیل به دوره‌می‌های دلچسب کند.

● اما شب یلدا یا چله چه شبی است؟

شب یلدا در واقع از زمان غروب آفتاب در آخرین روز پاییز یعنی ۳۰ قوس شروع می‌شود و با طلوع آفتاب در اولین روز زمستان یعنی اول جدی به پایان می‌رسد. زمان شب یلدا به تاریخ میلادی برابر با شب ۲۱ دسامبر است که البته در سال‌های کبیسه به ۲۰ دسامبر تغییر می‌کند. برای مثال تاریخ شب یلدا از سال ۹۶ تا ۹۸ معادل ۲۱ دسامبر بود ولی در سال ۹۹ که کبیسه است این شب معادل ۲۰ دسامبر ۲۰۲۰ خواهد بود.

● شب یلدا در شعر

بسیاری از شعرا، یلدا را برای تشبیه و استعاره به کار برده‌اند. شب یلدا را به بلندی و سیاهی گیسوی معشوق و معشوق را به خورشید تشبیه کرده‌اند. برخی از شاعران هم یلدا را به سیاهی و ظلمت، و روز را به روشنی و امید پیوند می‌دهند. از میان شعرای فارسی زبان سعدی و حافظ بیشتر از دیگران از شب یلدا سخن گفته‌اند.

● سعدی

سعدی در این باره می‌گوید:
بر آبی، ای صبح مشتاقان اگر هنگام روز آمد که بگرفت این شب یلدا ملال از ماه و پروینم در غزلی دیگر شکایت می‌کند که برای عاشق شب‌های فراق مانند شب یلدا دراز است:
شب فراق تو هر شب که هست یلدایی‌ست خلاص بخش خدایا! همه اسیران را

● حافظ

خلوت دل نیست جای صحبت اغیار دیو چو بیرون رود فرشته درآید صحبت حکام ظلمت شب یلداست نور ز خورشید خواه بو که بر آید

● صائب تبریزی

آه ما رعنا ترست از آه ماتم دیدگان آنچنان کز جمله شب‌ها، شب یلدا یکی است

● سلمان ساوجی

ز شرح حال من، زلف تو طوماری است سر بسته اگر خواهی خبر، بگشا، سر طومار سودا را شب یلدا است هر تازی ز مویت، وین عجب کاری که من روزی نمی‌بینم، خود این شب‌های یلدا را

● ناصر خسرو

ناصر خسرو قیادیانی، به زاهد و عابد ریاکار این گونه طعنه می‌زند:

قدیدل فروزی به شب قدر به مسجد مسجد شده چون روز و دلت چون شب یلدا

● تاریخچه شب یلدا

تاریخچه شب یلدا به گذشته‌های بسیار دور برمی‌گردد. اما قدمت دقیقش مشخص نیست. برخی باستان‌شناسان، تاریخ شب یلدا را هفت هزار ساله می‌دانند. آنها به ظروف سفالی دوره

هواوی از تعداد کارمندان خود در امریکا می‌کاهد

شرکت هواوی تصمیم دارد از تعداد کارمندان خود در ایالات متحده بکاهد. طبق گزارش‌ها در نتیجه این تصمیم احتمالا صدهانفر شغل خود را از دست بدهند. به نقل از رویترز، شرکت چینیایی هواوی تصمیم دارد از تعداد کارمندان خود در ایالات متحده امریکا بکاهد. شرکت چینیایی هم‌چنان درگیر پیامدهای قرار گرفتن در فهرست سیاه امریکا است.



به‌نوشته روزنامه وال استریت ژورنال، هواوی از کارمندان خود در زیر مجموعه تحقیق و توسعه خود یعنی Futurewei Technologies می‌کاهد، در این شرکت حدود ۸۵۰ نفر در آزمایشگاه‌هایی سراسر امریکا کار می‌کنند.

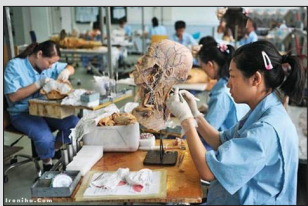
به‌گفته یکی از منابع آگاه احتمالا در نتیجه این تصمیم صدهانفر شغل خود را از دست بدهند. این در حالی است که پس از وضع تحریم‌های امریکا، کارمندان چینیایی هواوی می‌توانستند به چین بازگردند و هم‌چنان شغل خود را حفظ کنند.

هفته گذشته ویلبراس، وزیر بازرگانی امریکا، اعلام کرد دولت این کشور به برخی شرکت‌ها اجازه می‌دهد به‌طور مشروط کالاها و سرویس‌های خود را به هواوی بفروشند.

ساخت مغز مصنوعی توسط چین

پروژه بلو برین سال ۲۰۰۵ در موسسه مغز و ذهن دانشگاه پولی تخنیک لوزان به مدیریت هنری مارکرام، آغاز به کار کرده‌است. یک دانشگاه چینی برای توسعه پروژه بلو برین با تیمی از محققان سویسی قراردادی را امضا کرد.

پروژه بلو برین، به‌معنای مغز آبی در تلاش است تا مغز مصنوعی ایجاد و علم جهان را متحول کند؛ در این پروژه از مهندسی معکوس مغز پستانداران تا سطح مالیکولی استفاده می‌شود.



محققان چینیایی در تلاش هستند تا با کمک دانشمندان سویسی تحقیقات علمی خود را برای ایجاد مغز مصنوعی آغاز کنند.

دانشگاه جنوب شرقی نانجینگ و تیم اروپایی، پایگاه داده‌یی از اعصاب جمجمه‌یی که برای تحقیق در مورد نورون‌های مغز و توسعه پزشکی در نظر گرفته شده را ایجاد می‌کنند.

سین هیل، عضو پروژه مغز آبی، می‌گوید: دانشگاه جنوب شرقی، نخستین موسسه دانشگاهی چین است که سویس با آن همکاری می‌کند.

پنگ هانچوان، یک محقق دانشگاه، می‌گوید: محققان هر دو طرف سعی خواهند کرد که در مقیاس بزرگ بازسازی نورون‌های مغز از طریق فناوری‌های موجود را ممکن کنند.

به نقل از فارس، پروژه بلو برین سال ۲۰۰۵ در موسسه مغز و ذهن دانشگاه پولی تخنیک لوزان به مدیریت هنری مارکرام، آغاز به کار کرده‌است.

تکنالوژی جدید گوگل مانع خودکشی نوجوانان می‌شود

گوگل در حال ابداع هوش مصنوعی است که خطر خودکشی را میان نوجوانانی که در فضای مجازی (انترنت) مشکلات خود را مطرح می‌کنند، ارزیابی کرده و با ارائه مشوره‌های هدفمند به جلوگیری از آن کمک می‌کند.

به تازگی تلاش گوگل در پیشگیری از خودکشی الگوریتمی برای نوجوانانی که در فضای مجازی درخواست کمک می‌کنند، هدفمندتر شده است. این هوش مصنوعی با استفاده از گفتگوی اولیه جوانان با مشاوران و ارزیابی خطری که مشاوران بعد از صحبت با آن‌ها ارایه می‌دهند، آموزش می‌بیند.



ایده این است که این هوش مصنوعی بتواند با مقایسه نحوه پاسخ‌های اولیه به‌خطر نهایی، به‌نحوی آموزش ببیند که خطر خودکشی را بر اساس اولین پاسخ، پیش‌بینی کند.

این غول فناوری در ماه میلادی می (ثور - جوزا) ۱.۵ میلیون دلار به شرکت Trevor که یک شرکت غیر انتفاعی مستقر در کالیفرنیا است، برای پروژه تکمیل هوش مصنوعی به‌منظور پیشگیری از خطر خودکشی میان نوجوانان اعطا کرد.

سنجی دت از مبارزه‌اش با سرطان خبر داد



سنجی دت، بازیگر سرشناس سینمای هند و ستاره بالیوود برای نخستین بار از مبارزه خود با بیماری سرطان پرده برداشت. دت ۶۱ ساله که فلم تازه منتشر شده‌اش درباره افغانستان واکنش‌هایی را در کشور به همراه داشت، روز چهارشنبه با انتشار یک ویدیو در اینستاگرام تلویحا به مبارزه با سرطان اشاره کرد. برخی منابع خبری پیش‌تر گفته بودند او به سرطان ریه مبتلاست.

۷ | madanyatdaily.com

جهان

سال نهم • شماره ۶۶۳ • یکشنبه ۳۰ قوس ۱۳۹۹

مدیت

واشنگتن، مسکو را به حملات سایبری متهم کرد

به تازگی وزارت خارجه امریکا، مسکو را متهم کرده که روسیه عامل حملات اخیر سایبری به نهادهای دولتی این کشور، روسیه است.



مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا به روز جمعه (۲۸ قوس) در یک گفتگو با برنامه رادیویی، حملات سایبری را

«قابل توجه» خوانده و افزود که واشنگتن درحال تلاش برای درک ماهیت این حملات است اما برخی از این اطلاعات محرمانه باقی خواهد ماند.

به گفته وزیر خارجه امریکا، در این حمله سایبری از یک قطعه نرم‌افزار برای جاسازی کد در سیستم‌های دولتی ایالات متحده استفاده شده است.

پیش از این نیز واشنگتن این گونه حملات سایبری اخیر علیه چندین نهاد دولتی امریکا را تایید کرده بود و مقام‌های واشنگتن گفته بود که این حملات کماکان ادامه دارد.

طبق گزارش‌های بین‌المللی، در حملات سایبری مدیریت شبکه نرم‌افزار «سولارویندر» تحت کنترل هکرها قرار گرفته، هزاران کارمند دولتی که پیام این نرم‌افزار را دریافت و اقدام به به‌روزرسانی کردند، قربانی حمله سایبری شدند.

حملات سایبری، وزارت خزانه‌داری، اداره ارتباطات و

اطلاعات ملی، وزارت تجارت و وزارت امنیت داخلی امریکا را مورد هدف قرار داد.

از سویی هم، نشریه امریکایی پولیتیکو در گزارشی نوشته است: مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد هکرها به شبکه وزارت انرژی و سازمان ملی امنیت هسته‌یی امریکا که مدیریت ذخایر تسلیحات هسته‌یی ایالات متحده را به عهده دارد، دسترسی پیدا کرده‌اند. گفتنی است، سفارت روسیه در واشنگتن اتهام دخالت در این حمله را رد کرده و آن را «بی‌اساس» خوانده است و تاکید کرده که روسیه عملیات سایبری تهاجمی انجام نمی‌دهد.

با این همه، حمله سایبری به نهادهای امریکایی، احتمالا بزرگ‌ترین تهاجم سایبری جهانی در پنج سال گذشته بوده و این حملات درست زمانی صورت می‌گیرد که دونالد ترامپ کاخ سفید را ترک و جوید بایدن، رئیس‌جمهوری جدید امریکا می‌شود.

ایران تاسیسات جدید هسته‌یی در دست ساخت دارد

منتشر شده، نشان می‌دهد که در محوطه شمال غربی سایت فردو ساخت‌وساز یک ساختمان با ده‌ها ستون جریان دارد.

پیش از این، دولت ایران از این انتقال تاسیسات هسته‌یی در نطنز به زیر زمین خبر داده بود ولی تاکنون اظهار نظر رسمی درباره ساخت تاسیسات زیرزمینی در منطقه فردو، مطرح نکرده است.

پیش از این گزارش، روزنامه نیویارکتایمز نیز در نوزدهم قوس ماه جاری در گزارشی مدعی شده بود که تصاویر ماهواره‌یی گرفته شده از سایت هسته‌یی نطنز نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در حال ساخت مرکز جدیدی در دل کوه می‌باشد.

بر اساس گزارش روزنامه نیویارکتایمز، جمهوری اسلامی ایران این مرکز را به جای ساختمانی احداث می‌کند که

به تازگی، خبرگزاری آسوشیتدپرس تصاویری را منتشر کرده که نشان می‌دهد دولت ایران ساخت تاسیسات زیرزمینی جدیدی را در سایت هسته‌یی فردوی قم آغاز کرده است.

به گزارش رادیو فردا، این خبرگزاری در گزارش خود اشاره کرده که در خصوص شروع ساخت این تاسیسات از نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد پرسیده ولی آن‌ها از پاسخ به این سوال، خودداری کردند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس با انتشار تصاویر ماهواره‌یی گزارش داده است که ایران ساخت تاسیسات زیر زمینی جدیدی در سایت هسته‌یی فردوی قم را شروع کرد.

بر اساس این گزارش، ساخت و ساز تاسیسات زیرزمینی جدید هسته‌یی ایران از اواخر ماه سپتامبر سال جاری میلادی شروع شده و تصویر ماهواره‌یی که در ۲۱ قوس

جزئیات ماجرای زنی که به ربودن «حبیب اسبود» کمک کرد



درباره زنانی که به کار می‌رود که نهادهای امنیتی بر سر راه مقامات، چهره‌های سیاسی، منتقدان و مخالفان حکومت و حتی دیپلمات‌های خارجی قرار می‌دهند تا برای آنان پرونده‌سازی کنند.

معلومات ارایه‌شده در این گزارش نشان می‌دهد که تعدادی از اقارب نزدیک این خانم به اتهام فعالیت‌های سیاسی توسط دولت ایران اعلام شده‌اند.

گفته می‌شود که صابرن سعیدی که مدتی را در لندن زندگی می‌کرد، در طول سال‌های گذشته با فعالان عرب ساکن در دمنارک، هالند، سویدن و بلجیم ارتباط برقرار کرده و از سال ۲۰۱۷ بدین سو به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و آن را به نهادهای دولتی ایران ارسال نموده است.

نخستین بار شبکه خبری العربیه در دهم عقرب ماه گذشته، ربودن حبیب اسبود را همگانی کرد و پس از آن، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران با نشر

شبکه خبری العربیه با نشر گزارشی، جزئیات تازه‌یی پیرامون زنی منتشر کرد که در ماجرای ربودن «حبیب اسبود» رهبر پیشین حرکت النضال نقش داشت.

بر بنیاد این گزارش، نام کامل این زن «صابرن سعیدی» عنوان شده و در آن آمده که او از سه سال پیش توانسته در میان فعالان اهوازی ساکن در خارج نفوذ کند.

پیش از این، روزنامه واشنگتن پست و شبکه تلویزیونی TRT با نشر گزارشی گفته بودند که وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، حبیب اسبود را توسط یک زن از سویدن به ترکیه کشانده است. طبق گزارش این رسانه‌ها، حبیب اسبود پس از خوردن دارو با کمک یک گروه قاچاق مواد مخدر تحت امر وزارت اطلاعات ایران به داخل این کشور (ایران) انتقال یافته است.

در گزارش العربیه از صابرن سعیدی به عنوان «پرستو» نام برده شده است و در ادامه آمده که واژه پرستو

انگلیس:

برای پیروزی بر روسیه و چین باید آن‌ها را در بازی خودشان شکست

رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح انگلیس، لندن را به «تقویت در فضای مجازی» فرا خواند. به گزارش تایمز، جنرال نیک کارتر، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح انگلیس اظهار داشت که برای پیروزی بر روسیه و چین، لازم است آن‌ها را در «بازی خودشان» شکست دهیم.

تایمز بخش‌هایی از سخنان کارتر که در آن لندن را به «تقویت در فضای مجازی» فرا می‌خواند، منتشر نموده است.

در عین حال، به نظر کارتر، برای شکست دادن مسکو و بجنینگ «تا آستانه جنگ»، باید موقعیت‌های نرم‌تری در هوا و دریا اتخاذ شود.

علاوه بر این به گفته این جنرال انگلیس، استفاده از لحن کمتر تهاجمی در فضای اطلاعاتی مهم است. در اواخر سپتامبر کارتر در بیانیه‌یی اعلام داشت که انگلیس برای مهار «مخالفان اقتدارگرا» باید اساسا تفکر خود را تغییر دهد.

وی نظریه را ارائه کرد که در آن از جمله بر ضرورت

مبارزه «تا آستانه جنگ» به‌منظور جلوگیری از رسیدن دشمنان به هدف خود در استراتژی «واقعیت تحقق یافته» تاکید می‌شود.

کنستانتین کاساچوف، رئیس کمیته امور بین‌الملل شورای فدراسیون روسیه در این راستا بیان داشت که لندن با توجه به اظهارات رهبران نظامی انگلیس، قصد دارد جنگ اطلاعاتی علیه روسیه و سایر کشورها اعلام کند، جنگی که انگلیس آن‌ها را علیه «مخالفان اقتدارگرا» می‌داند.

● صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: سید اصغر اشراق ۰۷۹۴۱۱۵۵۴۴ / eshraqsayed@gmail.com

● سردبیر: فرشته حسینی / تحلیل‌گر ارشد: مجیب‌الرحمن اتل

● ویراستار: سامعه درویش و هما عمر / نویسندگان: بکناش روش، سمیه نوروزی، فرزاد عنایت، زهرا تارشی، محمدرضا رضایی، الهه موسوی و زهرا یزدان‌شناس

● گزارشگران: معصومه امیری، سید مهدی حسینی، مرتضی بزواک و نجمه رسا / مترجم: شریفه عرفانی / صفحه‌آرا: مینگ‌باشی

● مسوول بازاریابی: ضمیرخان وفا - ۰۷۹۳۸۴۵۵۵۵ / هماهنگی خبر و گزارش: ۰۷۹۰۲۹۵۵۲۹

● چاپ: مطبعه چشمه / توزیع: کانون فرهنگی رنگ صبح ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ / توزیع در ولایات: میدان وردک، بامیان، غزنی، پروان، غور و دایکنندی

● دفتر: کارته سه / به‌غیر از سرمقاله، مطالب دیگر بیانگر دیدگاه نویسندگان است.



جایزه «قهرمان صلح سال» به مسی تقدیم شد

● لیونل مسی؛ مهاجم بارسلونا و تیم ملی ارجنتاین، جایزه قهرمان صلح سال (Champion for Peace of the Year) را دریافت کرد.

به گزارش وبسایت Peace and Sport ، جایزه قهرمان صلح سال به ورزش کاری تقدیم می‌شود که در زمینه صلح، عدالت و تبلیغ همبستگی اجتماعی فعال بوده باشد. لیونل مسی همان‌طور که به‌دلیل بازی خوب خود در زمین فوتبال تحسین شده، همچنین در خارج از صحنه ورزش نیز به فعالیت اجتماعی ثمربخشی مشغول است.

این فوتبالیست نامدار ارجنتاینی از طریق بنیاد خود به کودکان بی‌بضاعت سراسر جهان به‌ویژه در اسپانیا، ارجنتاین، موزامبیک، فلسطین، کنیا، سوریه و نپال کمک می‌کند. لیونل مسی اولین و تنها بازیکن در تاریخ فوتبال است که شش‌بار فاتح عنوان بهترین بازیکن سال فوتبال جهان و شش‌بار برنده جوایز توپ طلا و کفش طلای اروپا شده است.

بحرانی بی سر و صدا:

رکود اقتصادی، افزایش خشونت علیه زنان افغان

● ترجمه: شریفه عرفانی

منبع: نیو هیومنترین
سوفی کازینز

● «ما بیماران زیادی داریم که به‌علت مسمومیت‌مراجعه‌می‌کنند.»
فاطمه روی تخت در بخش داخلی شفاخانه میرویس شهر قندهار در جنوب افغانستان دراز کشیده، یک چادر سیاه سر و بدنش را پوشانده و قطره‌های سیروم را که وارد بازویش می‌شود، از دید مخفی می‌کند.

اوایل صبح همان روز، فاطمه برای خاتمه‌دادن به زندگی خود «مرگ موش» خورده بود. مادر همسرش، آمنه، که در کنار تخت فاطمه نشسته و دست او را گرفته، می‌گوید: «او مرگ موش خورده. ناگهان زمین خورد و همه ما گریه می‌کردیم. من به او التماس کردم، چرا این کار را کردی؟»

داکتران می‌گویند این صحنه بسیار رایج است، خصوصاً بعد از شیوع ویروس کرونا.

دکتر نسیمه حکیمی، رییس مرکز حمایت از خانواده شفاخانه (که به زنان خشونت‌دیده کمک می‌کند) گفت: «ما بیماران زیادی داریم که به‌علت مسمومیت مراجعه می‌کنند.» کرونا خسارات ویرانگری بر اقتصاد افغانستان وارد کرده است از جمله، منجر به افزایش بیکاری، کاهش درآمد خانوارها و افزایش قیمت مواد غذایی شده است.

به‌گفته کارشناسان اثرات ناخوشایند پاندمی، موجب افزایش خشونت مبتنی بر جنسیت بر زنان و سوق‌دادن بیش از پیش آنان به سمت خودکشی شده است.

«در درمانگاه‌های سراسر کشور، بیش‌تر زنان به‌دلیل خشونت [به خاطر جنسیت‌شان] زهر می‌خورند. زهر در هر خانه‌یی موجود است – همه‌جا پیدا می‌شود. آن‌ها این راه، را برای پایان‌دادن به مشکلات خود انتخاب می‌کنند.»
آمار قطعی در دسترس نیست، اما طبق تخمین داکتران بعد از افزایش انتشار ویروس کرونا در ماه‌های جون و می، حداقل هر روز با یک مورد خودکشی مواجه بوده‌اند. رقم واقعی احتمالاً بسیار بیشتر خواهد بود، زیرا بسیاری از زنان به شفاخانه مراجعه نمی‌کنند.

تقریباً ۹۰ درصد زنان افغانستان در طول زندگی خود حداقل یک‌بار خشونت جسمی، جنسی یا روانی را تجربه کرده‌اند.

حکیمی گفت: «مسمومیت به‌دلیل کوئید ۱۹ افزایش یافته است، زیرا شوهران همیشه در خانه هستند و با یکدیگر درگیری دارند و اطفال به مکتب نمی‌روند. علت اصلی خشونت مبتنی بر جنسیت بیکاری است.»

از آن‌جا که انتظار می‌رود طی ماه‌های آینده با شروع زمستان، گرسنگی و مشکلات معیشتی دیگر افزایش یابد، داکترانی مانند حکیمی می‌ترسند با افزایش فشارها زنان بیش‌تری اقدام به خودکشی کنند. بر اساس برآوردهای سازمان ملل از هر پنج افغان دونفر ممکن در سال ۲۰۲۱ با بحران اقتصادی مواجه شوند یا در سطح اضطراری ناامنی غذایی قرار گیرند. گروه‌های کمک‌رسان می‌گویند، کوئید ۱۹ به خشونت‌های جنسیتی در سراسر جهان و هم‌چنین در مناطق بحرانی دامن زده است. پاندمی، نابرابری‌های جنسیتی و فشار اقتصادی موجود را تشدید کرده و در عین حال، قرنطین باعث شده زنان در خانه‌های خود با سواستفاده‌کنندگان خود مجبور شوند، از خدماتی مانند مشاوره و امکان مراجعه به پناهگاه‌های امن محروم شوند.

هم‌چنین پاندمی، کمبودها برای جلوگیری و پاسخگویی به خشونت مبتنی بر جنسیت را آشکار کرده است، که این مساله به نوبه خود، اگر زنان احساس کنند گزینه دیگری ندارند، می‌تواند منجر به خودکشی شود.

خشونت علیه زنان و دختران پیش از ویروس کرونا نیز در افغانستان مشکلی عمیق بود: سازمان بهداشت جهانی می‌گوید تقریباً ۹۰ درصد از زنان افغانستان در طول زندگی خود حداقل یک‌نوع خشونت جسمی، جنسی یا روانی را تجربه کرده‌اند.

«عامل اساسی، نابرابری بسیار، بسیار عمیق جنسیتی است.»

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تخمین می‌زند که سالانه حدود ۳۰۰۰ افغان اقدام به خودکشی می‌کنند. به‌گفته کمیسیون

حقوق بشر در سراسر جهان خودکشی در میان مردان به مراتب بیش‌تر مشاهده می‌شود، اما در افغانستان عکس این قضیه صدق می‌کند: ۸۰ درصد اقدام به خودکشی‌ها توسط زنان صورت می‌گیرد.

داده‌های حکومتی در مورد خودکشی غیر قابل اعتماد است، زیرا بسیاری از موارد گزارش نمی‌شوند و هیچ سیستم ردیابی واحدی وجود ندارد.

هیدر بار، مدیر موقت حقوق زنان در بخش دیده‌بان حقوق بشرگفت: اما نابرابری عمیق و خشونت فراگیر علیه زنان در افغانستان نشان می‌دهد که گزارش‌های اولیه در مورد افزایش تعداد خودکشی، مانند گزارش‌های داکتران شفاخانه قندهار، نشانه‌هایی از بروز بحرانی رو به رشد است.



بار، که قبلاً در افغانستان مستقر بوده‌است، گفت: «خشونت مبتنی بر جنسیت در آنجا مشکلی بسیار جدی است و منابع بسیار کمی وجود دارد. عامل اساسی، نابرابری بسیار، بسیار عمیق جنسیتی است.»

● کوئید ۱۹ و خودکشی: تصویر جهانی

در اوایل بیماری همه‌گیر، مطالعات مدل‌سازی اثر کوئید ۱۹ بر میزان خودکشی افزایشی ۱۴۵ درصدی را پیش‌بینی کرده‌بود.

وضعیت جهانی امروز مشخص نیست، به‌ویژه در کشورهای کم‌درآمد که منابع و داده‌ها ممکن کم باشد. به‌عنوان مثال، داده‌های پولیس نپال به افزایش خودکشی‌ها اشاره دارد، و ارقام پرو، خلاف این را نشان می‌دهد.

در سرمقاله‌یی که ماه نومبر در مجله پزشکی بی‌ام‌جی منتشر شد آمده: «در عین زمانی که منتظر وضوح بیش‌تر آمار هستیم، پیشگیری باید در اولویت قرار گیرد.»

هنگامی که پاندمی شایع شد، کارشناسان می‌دانستند که خشونت مبتنی بر جنسیت به‌دلیل فشارهای اقتصادی شدید بر افغان‌ها احتمالاً افزایش خواهد یافت.

این فشارها افزون بر درگیری‌های خارج از کنترل، بلاها و آوارگی در مناطق وسیعی از کشور- افراد بیش‌تری را به سمت فقر سوق داده است. کوئید ۱۹ می‌تواند نرخ فقر افغانستان را از حدود ۵۴ به ۷۲ درصد افزایش دهد، در حالی که طبق اعلام سازمان ملل ۱۷ درصد از خانوارها بار بدهی‌های «فاجعه‌باری» را به دوش می‌کشند.

بار گفت، پیش از پاندمی، اقدام به خودکشی زنان تقریب همیشه به‌علت خشونت خانگی بود. در طی دوران پاندمی، خشونت‌ها عمدتاً تحت تاثیر «رکود اقتصادی، و نه قرنطینه» رخ داده است. «به عبارت دیگر، این مساله به‌دلیل محبوس‌ماندن زنان در خانه بیش‌از حد معمول به اوج خود رسیده است، واقعیت ندارد، بل بحران اقتصادی دلیل عمده آن است.

«وضعیت اقتصادی پیش از این هم فاجعه‌بار بود. اکنون در حال فروپاشی است.»

شهره قادری، محقق مسایل صحتی در شمال شهر مزار شریف، گفت که خشونت مبتنی بر جنسیت به‌دلیل «مشکلات مالی ناشی از پاندمی کوئید ۱۹» بدتر شده است.

قادری گفت: «مردان نان‌آور اصلی و مدیر خانواده‌ها هستند ... پاندمی باعث شد بسیاری از مردان نتوانند نیازهای اساسی خانواده را تأمین کنند و این مساله باعث درگیری در خانواده و افزایش خشونت علیه زنان شده است. تأمین نیازهای خانواده مسوولیت مرد و این در اسلام یک الزام و اجبار است. هنگامی که نتوانند از عهده آن برآیند، تنها راه خالی کردن عصبانیت یا تخلیه روانی، تنبیه اطفال و زنان است، از آزارهای لفظی گرفته تا خشونت جسمی.»

● فضای امن برای زنان محدود است

مدافعان حقوق زنان می‌گویند بخشی از مشکلات زنان دچار بحران مربوط به عدم حمایت گسترده و کمبود خدمات برای زنان فراری از خشونت است. چند خانه امن (سرپناه زنان) در پایتخت کابل وجود دارد. در قندهار اصلاً نیست و جدای ترس از حملات انتقام‌جویانه، چیزی تحت عنوان ترک همسر از سوی زن امری نادر و بسیار ننگ‌آور است.

بار گفت: «اساساً هیچ پناهگاهی در نیمه جنوبی کشور وجود ندارد و هیچ خط تلفون دولتی نیز در دسترس نیست.» این که یک زن با پولیس تماس بگیرد امری کاملاً غیرقابل تصور است.

این بدای معنا است که خدمات دسترس زنان تحت خشونت جنسیتی عمدتاً به کلینیک‌های مشاوره در شفاخانه‌های محلی مانند میرویس در قندهار محدود می‌شود.

مرکز حمایت از خانواده شفاخانه، به ریاست حکیمی، پناهگاهی نایاب برای زنانی که با خشونت روبه‌رو هستند، به‌شمار می‌رود. دفتر کوچک و دو اتاقه آن در منطقه‌یی جداگانه واقع شده که تعداد کمی از مردها حق رفت و آمد به آن را دارند. این مرکز ۲۵ کارمند دارد که در مراکز درمانی مختلف در قندهار کار می‌کنند تا زنانی را شناسایی کنند که به مراقبت‌هایی فراتر از مراقبت‌های صحتی نیاز دارند.

طبق برآورد حکیمی هر روز حدود ۲۵ زن به این مرکز می‌آیند. وی گفت: «ما آمدن آن‌ها را به کسی اطلاع نمی‌دهیم، و به‌همین شیوه ادامه خواهیم داد.»

این مرکز به زنانی که خشونت مبتنی بر جنسیت را تجربه می‌کنند مشاوره داده و هم‌چنین آن‌ها را به خدمات حقوقی وصل می‌کند.

هدف کارکنان جلوگیری از خشونت در آینده و اقدام به خودکشی متعاقب آن از راه حل اختلافات خانوادگی و تعامل با مردان و خانواده‌های بزرگ است، اگر اجازه این کار را پیدا کنند.

حکیمی می‌گوید با وجود آنکه آن‌ها توانسته‌اند بسیاری از اختلافات را از طریق مشاوره حل کنند، او اذعان می‌کند که این مرکز از نظر کاری محدود است.

حکیمی، با توجه به اینکه انتظار می‌رود کوئید ۱۹ بر زندگی مردم سال‌های آینده نیز تاثیر گذاشته و در نتیجه سطح خشونت مبتنی بر جنسیت به‌طرز حیرت‌انگیزی بالا بماند، از آینده ابراز نگرانی می‌کند.

مردم در این کشور برای گذراندن فصل سخت زمستانی آمادگی می‌گیرند و دولت و سازمان ملل نسبت به موج دوم شیوع ویروس کرونا هشدار می‌دهند. افغانستان تقریباً ۵۰ هزار مورد راثبت کرده است، اما آزمایش ناکافی و عدم دسترسی به مراقبت‌های صحتی- که با درگیری‌های مداوم بدتر شده، آمار واقعی بیماری را از نظر پنهان کرده است.

در حال حاضر حکیمی بر حمایت از بیماران خود، از جمله فاطمه، متمرکز است، زنی که سعی کرد جان خود را بگیرد.

حکیمی با اشاره به‌سمت فاطمه که روی تخت شفاخانه دراز کشیده بود و گاهی اوقات از درد به خود می‌پیچد، می‌گوید «این خشونت فیزیکی یا جنسی نیست، این خشونت روانشناختی است.»

وی گفت: «وقتی وضعیتش پایدار شد، ما او را به مطب خود منتقل می‌کنیم، یا می‌توانیم مشاوره را به اینجا بفرستیم. ما تلاش داریم تا از تکرار این حادثه جلوگیری کنیم. این مساله برایش عادی خواهد شد. بارها و بارها اتفاق خواهد افتاد.»

هنگام استراحت فاطمه، حکیمی مادر شوهر زن، آمنه را به کناری کشید. به او می‌گوید: «ما باید این مشکل را حل کنیم. هر از گاهی با ما مشورت کنید. شاید بتوانید او را برای مشاوره بیاورید. ما می‌توانیم با هم به او کمک کنیم و از تکرار این اقدام جلوگیری کنیم.»

آمنه مرتب سر تکان می‌داد و در حین صحبت‌های داکتر با صدای هق هق گریه می‌کرد.

حکیمی گفت: «به او بگویید او وزن خوبی است، که او برای خانواده شما بسیار مهم است و سه فرزند دارد که زندگی‌شان به او وابسته است.» فاطمه و آمنه نام‌های مستعار که برای محافظت از هویت زنان استفاده شده است.

کودکان پورن می‌بینند

آیا کاری از دست پدر و مادرها ساخته است؟

● شی فیا لوم، نیویورک تایمز- گزارشی تازه دربارهٔ ویدیوهای سوءاستفاده جنسی از کودکان در وبسایت پورن‌هاب، شاید پدر و مادرها را به این فکر فرو برده باشد که آیا کودکانی خودشان هم به پورن‌هاب یا دیگر وبسایت‌های هزننگاری سر می‌زنند؟ ای بسا به وحشت افتاده باشند که نکند کودکان‌شان ویدیوهای از آزار یا تجاوز دیده باشند، یا کسی از آن‌ها خواسته باشد سلفی‌های جنسی برهنه بفرستند، یا اصلاً خودشان چنین عکس‌هایی را فرستاده باشند که می‌تواند در نهایت سر از شبکه‌های اجتماعی یا سایت‌های هزننگاری درآورد؟

همهٔ کودکان به صورت تصادفی با محتوای هزننگارانه مواجه می‌شوند، و برخی از آن‌ها مکرراً به دنبال آن‌ها می‌گردند، و معمولاً این اتفاق در سنین پایین‌تر از آنچه انتظار دارید رخ می‌دهد. این فکر را که «برای بچهٔ من پیش نخواهد آمد» کنار بگذارید. من به‌عنوان معلم مسایل جنسی و مشاور رابطه و رضایت در سطح ملی، تجربهٔ فراوانی از این زمینه داشته‌ام و با کودکانی بسیاری دربارهٔ مسایل جنسی حرف زده‌ام. به‌ندرت پیش می‌آید که نوجوانی تا حالا هیچ محتوای بی‌پردهٔ جنسی‌بی‌ندیده باشد.

اینجا چند نکتهٔ راهنما می‌گویم که می‌توانید هنگام حرف‌زدن دربارهٔ این موضوع لحاظ کنید:

● قطور سر صحبت را باز کنیم؟
قبل از اینکه صحبت‌کردن با فرزندتان را شروع کنید، به این فکر کنید که می‌خواهید دربارهٔ مسایل جنسی و صمیمیت قطور فکر کند، چه بیاوزد، و چه چیزهایی بداند.

● به این فکر کنید که پیام‌هایی که می‌خواهید به او بدهید، دربارهٔ هزننگاری است یا دربارهٔ رابطهٔ جنسی. همان‌طور که آقای کریستوف نوشته است: «احتمالاً ممکن است که از پورن‌هاب بد بگویید، بی‌اینکه رابطهٔ جنسی را نادرست جلوه دهید.»

● نویسندهٔ کتاب اول با من حرف بزن می‌گوید در برخورد با کودکانی کوچک‌تر، یعنی زیر ده‌ساله‌ها، «اگر می‌خواهیم فهم کودکان از مسایل جنسی به موضوع عاطفه و محبت میان انسان‌ها بپیوند بخورد، باید دربارهٔ این حرف بزیم که قطور صمیمت هم به شکل احساسی و هم در رفتارهای فیزیکی بروز می‌کند.»

● رافمن پیشنهاد می‌کند با کودکان‌تان دربارهٔ «بغل کردن گاهی وقت‌ها آدم‌ها پورن می‌بینند چون دل‌شان می‌خواهد دربارهٔ رابطهٔ جنسی چیزهای بیشتری بیاوزند، اما این کار مثل این است که فلم‌های 'سریع و خشمگین' را ببینید برای اینکه رانندگی کردن یاد بگیرید، بعد یکی از تریلرهای 'سریع و خشمگین' را می‌بینیم و دربارهٔ موضوعاتی از این قبیل بحث می‌کنیم که چه کسی تحت تأثیر رانندگی‌ها قرار گرفته؟ نتیجهٔ این جور رانندگی چیست؟ چرا دیدن این فلم سرگرم‌کننده است؟ چه تفاوتی با زندگی واقعی دارد؟ این فکتگوها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بفهمند که هزننگاری تصویری به‌شدت نمایشی و حتی کاریکاتوری از رابطهٔ جنسی ارایه می‌دهد، درست مثل کاری که فلم‌های سریع و خشمگین با رانندگی می‌کند، و اینکه تجربه‌های واقعی زندگی چه بسا خیلی متفاوت باشد.

● تلاش کنید با روی گشاده و صادقانه با نوجوانتان حرف بزنید، بدون قضاوت، بدون خجالت‌زده‌کردنش و بدون تهدید و ارباب. زمانی را انتخاب کنید که محیط خصوصی فراهم باشد و در حال انجام کاری روزمره باشید، مثلاً در موتر (هنگام رانندگی احساس نزدیکی شدیدی نمی‌کنید، چون چشم‌ها به جلو متمرکز است، نه روی همدیگر) یا در حال قدم‌زدن و پیاده‌روی (چون فعالیت و حرکت همان نقش را ایفا می‌کند) یا دبروقت شب، بعد از تماشای یک فلم خانوادگی (کودکان باهوشند، و می‌دانند پدر و مادرها در این ساعات خسته‌اند و کمتر تمایل به حرف‌زدن دارند و بیشتر گوش می‌دهند).

● این نقطهٔ آغاز مجموعه‌یی از گفتگوها در نظر بگیرید، نه یک سخنرانی بدون تکرار. به سؤال‌های نیمه‌بازی که با «قطوری» و «چه چیزی» شروع می‌شوند بپسجید، مثلاً: «به نظرت نوجوان‌ها پورن را برای چه چیزی می‌بینند؟» یا «به نظرت پورن قطور روی رابطهٔ انسان‌ها در دنیای واقعی تأثیر می‌گذارد؟» اجازه بدهید تا خودشان متخصص تجربه‌های خودشان باشند و به جای اینکه شما دربارهٔ تجرب آن‌ها دربارهٔ هزننگاری حرف بزنید، خودشان شروع به حرف‌زدن کنند دربارهٔ آن چیزی که دیده‌اند و آن چیزی که درباره‌اش فکر می‌کنند.

● اگر بچمان‌نورمنده شد چه کنیم؟
احتمالاً نوجوان‌هایتان از حرف‌زدن با شما دربارهٔ هزننگاری طفره می‌روند؛ همین‌طور دربارهٔ هر موضوعی که ربطی به مسایل جنسی داشته باشد. درعین حال، مهم است که پدر و مادر سطحی از کنترل را در استفاده از وسایل دیجیتال داشته باشند، اما این کار ممکن است پیامدهایی جدی برایشان داشته باشد.

● اگر کودک‌تان دروغ بگوید، یک عکس برهنه از خودش حرف زد، تمام تلاش‌تان را بکنید که بر خودتان مسلط باشید و وسوسهٔ استنطاق کردن، خجالت‌زده‌کردن یا سرزنش‌کردنش را از خودتان دور کنید. می‌توانید بگویید «خوشحالم که پیش من آمدی تا حرفت را بزنی.» تمرکز‌تان را بگذارید روی اینکه بفهمید چه کسی از اعتماد فرزند شما سوءاستفاده کرده و دارد عکس‌ها را منتشر می‌کند یا به اشتراک می‌گذارد.

● وقتی عکس‌های برهنهٔ آدم‌ها، بدون رضایت‌شان، به صورت آنلاین منتشر می‌شود، تجربه‌یی که از سر می‌گذراند شبیه این است که واقعاً به آن‌ها تعرض شده باشد. می‌تواند به‌شدت مخرب باشد. از کودک‌تان بپرسید که دلش می‌خواهد چه چیزهایی به اشتراک بگذارد. به یاد داشته باشید که آزار جنسی تجربه‌یی ناتوان‌کننده است؛ ما می‌خواهیم کسانی که آن را از سر گذارنده‌اند، احساس کنند آن‌قدر خودمختاری دارند که می‌توانند دربارهٔ مسیر پیش‌رویشان حرف بزنند. سوالاتی با پایان باز بپرسید و اجازه بدهید تا گفتگو طوری پیش‌پا پیش که احساس راحتی کنند. با ارایهٔ گزینه‌هایی مثل رفتن پیش مشاور یا گزارش به مراجع قضایی، به آن‌ها قدرت بدهید تا خودشان تصمیم بگیرند.

● چه کمکی از دست ما ساخته است؟
شما به‌عنوان پدر و مادر، ارزش‌هایی را در تمام جوانب زندگی کودکان‌تان به آن‌ها آموخته‌اید. دربارهٔ این حرف بزنید که احترام متقابل چگونه است، و در بستر مسایل جنسی، چه معنایی به شما می‌دهد. مهم است که بر این نکته تأکید کنید که روابط جنسی می‌توانند هم صمیمیت عاطفی داشته باشند و هم فیزیکی؛ و نقطهٔ اتصال این دو، علاقهٔ دو طرف به همدیگر است.

● اگر راهنمایی بزرگ‌ترها نباشد دربارهٔ اینکه رابطهٔ جنسی قطور باید باشد، یا چه معنا و احساسی دارد، کودکان با بازنمایی‌هایی که در اسکرین‌ها می‌بینند جلو می‌روند. مطمئن شوید که اطلاعاتی که دربارهٔ مسایل جنسی در اختیارشان می‌گذارید، مناسب سن‌شان و از نظر پزشکی دقیق است، و راهنمایی‌شان کنید که این اطلاعات را قطور باید به کار بگیرند. کودکان‌تان را تشویق کنید تا جنسیت خودشان را بشناسند و از کلیشه‌هایی که ممکن است رفتارشان را شکل دهد، پرهیز کنند و در موقعیت‌های اجتماعی و در مواجهه با مسایل جنسی آگاه و شجاع باشند.

● به آن‌ها یادآوری کنید که این مسایل باید بین هر دو طرف، به‌خوبی و به شکلی خوشایند کشف شود و مهم‌تر از همه تأکید کنید که رابطهٔ جنسی نوعی نمایش نیست، بلکه تجربه‌یی احساسی است.

منبع: ترجمان